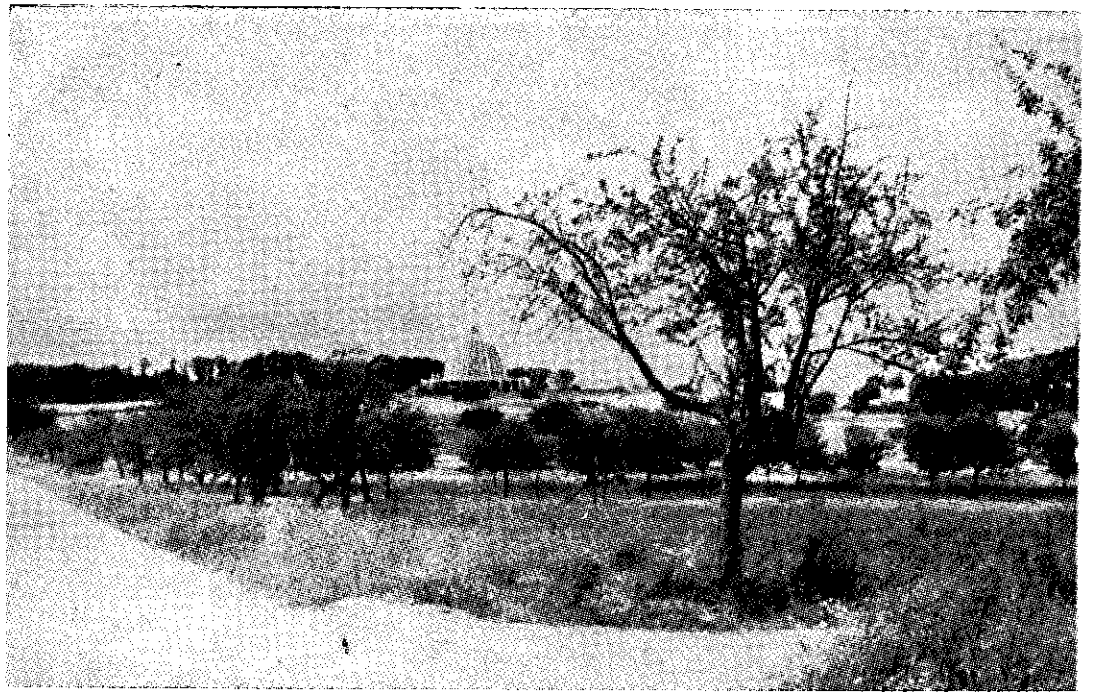


1
2
3

U1706



الفبا

مخصوص جامعه بهائی است

«اجتاه طبعاً نباید هیچ حربی داخل شوند و در امور سیاسی مداخله نمایند»

حضرت عبدالبهاء

شماره کمال ۱۲۲ بدیع
ارویشیت ۱۳۴۴
مه ۱۹۶۵

شماره ۲ سال ۲۰

شماره مسلسل ۲۱۸

فهرست مندرجات

صفحه	
—	۱ - لوح مبارک حضرت عبدالبهاء جل شانه
۴۹	۲ - وحدت بهائی
۵۲	۳ - ایادی امر الله (۲۰) میسین دروتی بیکر
۵۶	۴ - اولین شهید آل اسرائیل
۵۸	۵ - گل سرخ ماریان اندرسون
۶۲	۶ - بارعام (شعر)
۶۳	۷ - طلعه اردیبهشت (شعر)
۶۵	۸ - الساندر و بوزانی (۲)
۷۲	۹ - نامه ای از یک مهاجر
۷۶	۱۰ - شرح تصدیق جناب عبودیت
۷۸	۱۱ - عکسهای تاریخی
۸۱ - ۹۰	۱۲ - قسمت نوجوانان

عکس روی جلد - دورنمایی از آم المعابد اروپ (لانگنهاين - فرانکفورت)

در محراب صبا را که نغمه رخسار ز باغ میوز و صبح نورانی از قشربان می دهد و صدای سحر آید از ملکوت ابر
میرسد و کجاست بشیر غیب قدیمه که سیر نیزند گمشدن توحید در ضریح تجرید باز و گشوده و کلمه سحر
درد از حقایق رخ خندان و گشته اوراد در این سبز و غم اند و اشجار صدای سبحا با در و در شیه مکمل . انعام
عبارت چشمه فیض حاودانی جوشنده و سار سر و زلف در بلبین است و قمر شتاق در نالین .
سعد حقیق با رخ افروخته مشهور و سینه و عدانی با دایه سوخته مشهور . بی گمان است که این نعمت معجز در
دینار دستان روحا با در و گویا هم از در برست صداننده و اواز است و در هر جهت دلها را عادت
در سوز و گداز و از هر ش غم صوت رود و تملک نه بگند است و از هر کجا خوار چنگ و چنان در زمره تار و آواز
آهسته سوزید و اواز شالست و شانی روحا استماع کنید . عهد و بربط بر دراید و در این ریاضت سیر با جان
توحید به تجید رب محمد بنواریه در طیور این صداننده و شون این حقایق . بر ظاهر اطلاق رب و در
در مطالع اندر سحر و وجه علم الهی با شاست و فیض نامت سهرت مر حال شاه فقیر است اثار غایت حق
ظاهر گردد و اوزار الهی شوق و غرب سوار روشن کند و الهیایکم یا ایحبار الله .

بیت تحریر آفتاب میخ فرمود رسیدن عید عظیم رمضان مبارک باد به خوبس حال است

برای که جلال مرکز آفتاب بر سر روز فرمودم است عزیزان محترم برک و تمنیت بگویند و از درگاه

جلال آفتاب بر سر آفتاب است خدمت و عفت است نشر و تسکین است



وحدت بهائی

وحدت بهائی جز بقوه عهد و میثاق الهی محفوظ نمانده و نخواهد ماند عهد و میثاق الهی را حضرت عبدالبهاء با بیانی صریح و واضح در خطابه مبارکه مورخ ۱۶ جون ۱۹۱۲ چنین شرح فرموده اند قوله الاحلی: "... از جمله امتیازات این کور جمال مبارک آنکه نفوس را در حیرت نگذاشتند عهد و میثاقی از جمیع گرفتند و مرکز میثاق را معین فرمودند و بقلم خود نوشتند و در کتاب عهد تصریح نمودند که او مبین کتاب است و هر مسئله از کتاب نفهمید از او سؤال کنید آنچه او بگوید صحیح است ... و دیگر حضرت ابراهیم عهد حضرت موسی گرفت و موسی موعود ابراهیم بود و او عهد مسیح گرفت و مسیح موعود موسی بود حضرت مسیح عهد قارقلیط گرفت و او محمد است و محمد رسول الله موعود مسیح است و آنحضرت عهد باب گرفت که موعود من است و حضرت باب در جمیع رسائل بصریح عبارت عهد جمال مبارک گرفت و حضرت بهاء الله موعود حضرت باب است ... عبدالبهاء مبین کتاب اوست و مرکز عهد او که عند الاختلاف باید

حضرت عبدالبهاء جل ثنائه در یکی از الواح مبارکه متعالیه که در صفحه ۲۵ - از مگاتیب جلد سوم مندرج است چنین میفرماید قوله الاحلی:

"... ملاحظه کنید بهیچ قوه فی ممکن است وحدت بهائی را محافظه کردن مگر بقوه میثاق؟ اگر ادنی تهاون و فتوری حاصل گردد شبیهات بتمام قوت بقلوب خلور نماید و مذاهب مختلفه ظهور کند و امرالله بکلی محو و نابود شود قوه میثاق است که آفاق را به امتزاز آورده زیرا در جسم امکان عرق شریان است که نابض است و فاعض و کافل جمیع امور و ضابط امور جمهور و قوه ارتباطیه در میان عموم ..."

ما اهل بها بخوبی میدانیم و قسولسی است که جملگی برآنیم که وحدت بهائی کافل و ضامن وحدت عالم انسانی است و اگر خداوند نخواسته وحدت بهائی خلل پذیر شود محققا وحدت عالم انسانی نیز خالی از خلل نخواهد بود و بنصوص قاطعه صریحه که بیان مبارک مزبور یکی از آن دررمتلئله است

آهنگ بدیع

بلدان عالم است... زیرا این معهد اعلیٰ سرچشمه اقدامات و اجراءات کلیه بهائیان است و مبین و مرجع این عهد ناتوان... تکلیف شدید آن است که افکار را حصر نموده بتمام قوی و بمشورت احبا متوجها الیه و معتمدا علیه تمهیدات مهمه لازمه از برای تشکیل آن مرجعیکه در مستقبل حلال مشکلات و واضع احکام و شرائع غیر منصوصه و مبین امور مبهمه است حتی المقدور فراهم آرم..."

حضرت مولی الوری عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا برای دفع هرگونه اختلاف اساسی عقاید اهل بهارا بدینگونه شرح فرموده اند
قوله جل ثنائه:

"در نهایت تحسر و اسف وصیت مینمایم که امرالله را محافظه نمائید و شریعة الله را صیانت کنید و از اختلاف نهایت استیحا ش بفرمائید اساس عقاید اهل بهاء روحی لهم - الفدا: حضرت رب اعلیٰ مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه و مبشر جمال قد حضرت جمال ابهی روحی لا حباءه الثابتین فد امثلهر کلیه الهیه و مطلع حقیقت مقدسه ربانیه و مادیون کل عباد الله و کل بامرہ یعملون مرجع کل کتاب اقد سر و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی به بیت عدل آنچه بالاتفاق و بیباکثریت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است من تجاوز عنه فهو من احب الشقاق و اظهر التفاق

رجوع باو شود اگر کسی تجاوز نماید مقبول - درگاه بهاء الله نه بعد از عبدالبهاء هر وقت بیت العدل عمومی تشکیل شود دافع اختلاف خواهد بود." انتهى

نتیجه منطقی این بیانات مبارکه بر خواننده عزیز واضح و معلوم است و احتیاج بتوضیح و تشریح نیست وحدت بهائی از صدر امرالی حال بهمین قوت قاهره که قوه میثاق محفوظ مانده یعنی حضرت بهاء الله با شرق ظلم اعلیٰ حضرت عبدالبهاء را مبین کتاب و مرکز عهد و پیمان حضرت یزدان معین فرموده که دافع جمیع اختلافات بوده اند و بعد از صعود حضرت عبدالبهاء حضرت ولی امرالله مبین آیات الله اهل بهاء را در طی سی و شش سال برای تأسیس بیت العدل اعظم الهی که بفرموده حضرت من طاف حوله الاسماء "هر وقت تشکیل شود دافع اختلاف خواهد بود" آماده ساخته و در دوره ولایت مقدسه امانت الهی و شریعت ربانی و گوهر گرانبهای آسمانی را از دستبرد زردان و خائنان و ناقضان اهریمنان حفظ و حمایت و وقایت فرموده و باین بیانات مبارکه در این باب ناطق بوده اند قوله الاحلی:

"و این جهاد جهانی روحانی نیز بنفسه مقدمه تأسیس و استحکام نظم بدیع الهی و اقامه ارکان دیوان عدل الهی در جمیع ممالک و -

واعز عن رب الميثاق

ملاحظه فرمایند که حق جل جلاله بچہ صراحت ووضوح تکلیف اهل بهار امین و راه اختلاف و شقاق و نفاق را مسدود و اصول دین بهائی و اساس عقاید اهل بهار چون شمس فی وسط السماء روشن فرموده اند . حضرت اعلیٰ - جمال ابہی - کتاب اقدس - بیت العدل عمومی . و بارادہ الہی و مشیت سبحانی دو مبین محصوم و مخصوص کتاب اقدس را تبیین نموده اند . در تبیین این سفر کریم و سایر آیات رب قدیم آثار مقدسہ مبارکہ ایشان روشنی بخش عقول و افکار - مدار عمل و توجہ - مرجع اختیار و ابرار بوده و خواہد بود و خوشبختانہ با این نصوص قاطعہ دیگر مجالی برای اختلاف نماندہ و طیور لیل کہ آرزو و آمالشان القاء شبہات است از جولان باز مانده اند .

حضرت ولی امر اللہ ارواحنا لقدرتہ الفداء در سال ۱۳۰۱ ہجری شمسی یعنی چہل و سہ سال قبل لوح مبارک حضرت عبدالبہاء را کمر اجب بتأسیس بیت العدل اعظم دستورہائی فرمودہ بایران ارسال و امر با انتشار نمودہ اند کہ حال بعد از مزی سنین عدیدہ حکمت تأکیدات اکیدہ مبارکہ بر کل واضح گردیدہ است در آن رق منشور مرکز عہد و ميثاق رب غیور منجملہ چنین میفرماید قولہ الاحلی :

" کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الہی در آن مطرح احکام غیر مذکورہ راجع بقرار بیت العدل دیگر اسباب اختلافی نہ و من یتعد بحد ذلك فاولئك هم الناعقون و اولئك هم الظالمون و اولئك هم الاعداء المہضون زنیہار زنیہار مگذارید نفسی رخنہ کند و القاء فتنہ نماید کہ اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت العدل اعظم فوراً حل مشکلات فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است زیرا بیت العدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیت و اورا صیانت از خطا فرماید و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظہ نماید ہر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقہور شود و بیت العدل اعظم بترتیب و نظامیکہ در انتخاب مجالس در اروپا انتخاب میشود انتخاب گردد و چون ممالک مہتدی شود بیوت عدل ممالک بیت العدل اعظم را انتخاب نماید و در ہر زمان کہ جمیع احباب در ہر دیار و کلائی تمیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس ہیئتتی را انتخاب نماید آن بیت العدل اعظم است والا تأسیسش مشروط بہ ایمان جمیع ممالک عالم نہ مثلاً اگر وقت مقتضی بود و فساد نہ داشت احباب ایران و کلائی انتخاب مینمودند و احباب امریک و ہند و سایر جہات نیز و کلائی انتخاب مینمودند و آنان بیت العدل

میسز دوروتی بیکر (۱)



در باره حیات پرافتخار ایادی امرالله امة الله دوروتی بیکر در سالهای گذشته مقالات متعددی بطور پراکنده در صفحات آهنگ بدیع درج گردیده ولی چون نیت هیئت تحریریه این بود که شرح حیات این مبلغه شهیره در ضمن سلسله مقالات راجع به حضرات ایادی امرالله نیز منتشر گردد عینا با استفاده از مقالات منتشر شده قبلی و مجلدات اخبار امری خلاصه ذیل تهیه گردیده که اینک بنظر خوانندگان محترم میرسد :

مممممممممممممممممممممم

خانم دوروتی بیکر در ۲۱ دسامبر ۱۸۶۸ در شهر نیووارک از ایالت نیوجرسی متولد شد اجداد ایشان در آزادی بردگان امریکا سهم بسزائی داشته و از حیث سخنوری و فصاحت کلام معروفیت فوق العاده کسب نموده اند از جمله نویسندة معروف امریکائسی خانم بیچراستو موء لف کتاب مشهور " کلیه عمو تسوم " از همین خاندان برخاسته است . دوروتی پس از فراغت از تحصیل بشغل آموزگاری مشغول و در ۱۸۹۱ با آقای فرانک بیکر ازدواج نمود و از این وصلت دارای دو پسر گردید که هر دو موءمن و مخصوصا یکی از آنها در خدمات امریه مساعد مادر مهر پرور خود بوده است .

گرچه پدر و مادر دوروتی در ابتدا بهائی نبودند ولی دوروتی در دامان پرمهر و محبت مادر بزرگ خود مادام بیچر که از موءمنین و مبلغین امرالله در امریکا بود باصول و آداب امری و روحانی تربیت گردید .

(1) DOROTHY BAKER

آهنگ بدیع

در روتی در سال ۱۹۱۲ موقعی که حضرت مولی‌الوری ارواحنا فداه در نیویورک تشریف داشتند در سنین طفولیت و در محبت مادر بزرگ خود بحضور آن حضرت مشرف گردید در روتی از این تشرف خاطرات عجیب و بسیار خوشی داشت که تا آخر حیات سراسر خدمت خود در جمع احباب تکرار مینمود. این دختر جوان چندی بعد از این تشرف طی تقدیم عریضه ای اقبال خود را بحضرت عبدالبهاء رسانده و در جواب مفتخر بوصول لوح مبارکی گردید که اکنون در آرشیو محفل ملی آمریکا موجود است حضرت عبدالبهاء در این لوح درباره وی دعا فرموده موفقیت او را در خدمت باستان الهی مسئلت میفرمایند.

در روتی بیکر همواره ذکر و فکرش خدمت به امر بود و آرزوئی جز موفقیت در خدمت نداشت وجودش شمع هر انجمن بود و بیانش جذاب - فصیح و مؤثر در هر مستمع. شهرت و مصروفیت در روتی بیکر در آمریکا و توسعه خدمات باهره وی از سال ۱۹۲۹ رو بفرزونی گذاشت و از آن تاریخ ببعده دعوت از او جهت ایراد خطابات و نشر نفعات در سراسر آمریکا شروع گردید بطوریکه از آن پس اوقات مشارالیهما اغلب در مسافرت های تبلیغی و تشویقی می گذشت بطور نمونه باید گفت که طی فقط یکسال در متجاوز از ۹۰ دانشگده درباره فلسفه دیانت بهائی و وحدت

عالم انسانی در برابر نمایندگان نژاد های سیاه و سفید ایراد خطابه کرده بود. بتدریج دامنه خدمات روز افزون این بانوی ارجمند بخارج از کشور پهناور ایالات متحده آمریکا کشیده شد و در قاره وسیعه آمریکا توسعه یافت و بالاخره قاره اروپا را نیز در بر گرفت. ابتدا بدستور مولای عزیز و مهربان حضرت ولی امرالله ارواحنا لترتبه الفداه بمسافرتهاى تبلیغی خود در امریکای لاتین اقدام و سپس بقاره اروپا شتافت. این مبلغه شهیره امرالله در اکثر کشورهای امریکای مرکزی و جنوبی از جمله مکزیك - هندوراس - گواتمالا - سالوادور - کستاریکا - پاناما - جامائیکا - پرتوریکو - ونزوئلا - کوبا - کلمبیا - پرو - پاراگوی - برزیل و آرژانتین سیار و با انفاست قدسیه خود روح تازه ای در آن دیار دمید. سفری نیز بکانادا کرد و در شهر های کبک - انتاریو - نیویورک و نیویورک خطابات دلنشین و جالب ایراد نمود. در اروپا نیز در کشورهای انگلستان - اسکاتلند - ایرلند - نروژ - سوئد - دانمارک - بلژیک - هلند - لوکزامبورک - فرانسه - ایتالیا - سویس - اسپانیا و پرتغال سفر نمود و ندای امرالله را در آن اقالیم مرتفع ساخت. این خادمه مخلصه امرالله قبل از انتصاب بسمت ایادی امرالله بطور خلاصه هشت سفر

آهننگ بدیع

بامریکای جنوبی - يك سفر به اروپا و دو سفر -
به کانادا نموده است .

امة الله دروتی بیکر بموازات خدمات
تبلیغی در خدمات اداری نیز موفق بود . از
سال ۱۹۳۷ به عضویت محفل مقدس روحانی
ملی بهائیان امریکا انتخاب و مدت ۱۶ سال
متوالی افتخار عضویت در آن محفل را داشت
از ۱۹۴۹ تا ۱۹۴۹ بسمت رئیس محفل ملی
واز آن ببعد تا آخر حیات بسمت نایب رئیس
محفل ملی قائم بخدمت بود .

دروتی بیکر در سال ۱۹۵۲ به پاس خدمات
مستمره اش از طرف مولای توانا بمقام شامخ -
ایادی امرالله ارتقاء یافت و پس از آن بامبارک
در کنفرانسهای چهارگانه سنه مقدس منعقد
در کامپالا - ویلمت - استکهلم و دهلی شرکت
نمود پس از خاتمه کنفرانس دهلی نیز بدستور
مبارک مدت دو ماه در صفحات هند و برمه
و ژاپن به تبلیغ امرالله و نشر نفعات الله
مشغول بود .

در اوایل سال ۱۹۵۳ حضور حضرت ولی
عزیز امرالله تشریف حاصل نمود و پس از تشریف
بازن مبارک تصمیم به مهاجرت گرفت ولی گویا
تقدیر و مشیت الهی این بود که رهسپار عالم
بقا گردد . ایادی امرالله دروتی بیکر هنگامی
که در اجرای این نیت خطیر و مقصد تدارک
وسائل هجرت خویش سفر مینمود در دهم

ژانویه ۱۹۵۴ هواپیمای حامل وی از اوج
هوا بقصر دریا سقوط کرد و آن گوهر تابناک
را در دل اقیانوس بیکران از انظار دوستان
پنهان ساخت .

مطابق شرح جالبی که در تاریخ ۲۶
ژانویه ۱۹۵۴ راجع باین حادثه جانگداز
در رم عاصمه ایتالیا نگاشته شده هواپیمای
حامل آن متصاعد الی الله صبح روز دهم -
ژانویه ۱۹۵۴ از فرودگاه رم پرواز نمود و حدود
ساعت یازده هنگامیکه بین ساحل ایتالیا
و جزایر مونت کریستو و آلبا پرواز میکرد در هوا
منفجر و در دریا سقوط نمود بتقاضای محفل
ملی امریکا آقای یوگو جیاگری فوراً بجزیره
آلبا حرکت نمود تا در بین اجساد مکشوفه
جسد دروتی بیکر را تشخیص دهد تا چند روز
آقای دکتر جیاگری اطمینان داشتند که
جنازه دروتی بیکر بواسطه شباهت تامی که
با جسد خانم مسافر دیگری داشت جزوا اجساد
مکشوفه است ولی پس از ورود اقوام نزدیک
آن متصاعد الی الله معلوم شد که جسد مذکور
جنازه دروتی نیست از طرف مقامات ایتالیایی
یک کشتی کوچک جنگی در اختیار فامیل بیکر
واقوام سایر مضروقیین گذاشته شد و کشتی مزبور
از بندر آزور واقع در جزیره آلبا باتفاق کشتی
دیگری که حامل نمایندگان دولت ایتالیا
وانگلستان و امریکا بود حرکت و به محل حادثه

آهنك بدیع

رسیده و در آنجا توقف نمودند و از هر دو کشتی
و همچنین از يك هواپیمای بحری که بر فراز
آن محل پرواز مینمود تاجهای گل بدریسا
افکنده شد اعضای فامیل بیکر با تفاق ^{لکتر} جیاگری
و خانمشان در روی صحنه کشتی بتلاوت دعا و
مناجات بهائی مشغول و مقدار زیادی گل
میخک بر روی آب نثار کردند این مراسم مدت
۱۵ دقیقه بطول انجامید و هنگام مراجعت
بجزیره فرصت مناسبی بدست آمد و با فرمانده
کشتی مذاکرات امری شد کلیه جراید ایتالیای
راجع بساکنه فوق شرحی منتشر و نام میسسیس
دروتی بیکر و مقام مهمی را که در امر حائز بود
ذکر نمودند .

امه الله دروتی بیکر حین صعود ۳۵ سال
از عمر از زنده و گرانبهایش میگذشت عمری که
با افتخار آغاز و با افتخار پایان یافته بود .

چند سطر ذیل که ایادی عزیز امرالله
دروتی بیکر در طی سطور دیگر راجع به تشرف
خود بحضور حضرت عبدالبهاء و نتایج آن
بقلم خویش نوشته و قبلاً ترجمه گردیده کافی است
که مراتب ایمان و عرفان - خلوص و انقطاع و شور
و انجذاب وی را نمودار سازد :

..... با کمال خضوع عرض میکنم فضل
حضرت بهاء الله شامل شد جده پدریم که از
طرف حضرت عبدالبهاء هلقب " مادر بیچر "
مفتخر شده دختر دوازده ساله ترسوی عقیب

مانده خود را میبرد که عبدالبهاء را زیارت
کند . مشارالیه با کمال خضوع و ادب جلو
اقدام آنحضرت نشست تا برکات و هدایت
حضرتش را کسب کند . حال چهل سال
میگذرد و این خاطره عزیز محو نشده - ترس
و جنبش زائل شده محبت نوع بشر جایگزین
آن گشته و این يك نکته مسلم او شده که
حضرت بهاء الله قوه و روح همه اشیا است
و او یفعل ما یشاء است این اصل مسلم مانند
قوه محرکه است که این جسم ناچیز و ناتوان
را بحرکت در میاورد .

برای ذك عظمت مقام این مؤمنه مخلصه
فعال و اهمیت خدمات مستمره باهره اش نیز
کافی است به تلگراف منیع مبارك حضرت
ولی مقدس امرالله که پس از صعود آن متصاعده
الی الله عز صدر یافته توجه نمائیم .

" از صعود جانگداز و نابهنگام دروتی
بیکر ایادی برازنده امرالله و مروج فصیح -
النبیان تعالیم الهیه و حامی ثابت قدم مؤسس
امریه و مدافع دلیر اصول و مبادی آئین الهی
قلوب محزون و متأثر است خدمات باهره
متمادیه اش بر افتخارات سالهای اخیر عصر
رسولی و سنین اولیه عصر تکوین دور بهائی
افزوده است . از نسیم قلب برای ارتقاء
روح آن متصاعده الی الله در ملکوت ابهی
دعا میکنم منتسبین را بمواطف قلبی و موفور

اولین شهید آل اسرائیل

آقاموسی مذهبی «صدیق»



اولین شهید از آل اسرائیل در دیانت بهائی شخصی بود بنام آقاموسی که در سنه ۱۲۴۸ شمسی در شهرکاشان متولد گردید پدرش ملاریحان از ملاهای کلیبی آن شهر بوده است. آقاموسی از جوانی علاقه خاصی به فراگرفتن علوم روحانی داشت و با اینکه از طایفه علمای بنی اسرائیل بود شغل خود را تجارت و کسب قرار داد این مرد

بزرگوار پس از پدر در عین اینکه کنیسه کلیبیان را در کاشان عهدہ دار بود بواسطه زهد و تقوایی که داشت از طرف حکومت مأمور ضرابخانه شده و بامین آنجا منصوب گردید و سکه های ضرب شده در زمان تصدی ایشان به بی غل و غشی معروف بوده و به همین مناسبت بلقب مذهبی که اکنون نیز فرزند او به همین اسم معروف است تسمیه یافت.

جناب حاج میرزا حیدر علی اصفهانی مبلغ مشهور در سفری که بکاشان نمود آقاموسی از محضر ایشان بهره کافی بوده و تحقیق موضوع در این امر نمود و پس از اطمینان کامل باین ظهور مؤمن گردید.

تصدیق و ایمان او عنان اختیار از گمش رفته و واله و حیران این امر نازنین شده بطوری اختیار از دست بداد که بدون هیچ خوف و ترسی و بدون اینکه رعایت حکمت را نماید شب و روز به تبلیغ اهل کاشان بخصوص همکیشان کلیبی خود پرداخت کلیبیان از حماسی نموده و علمای خود شانرا و ادار نمودند که بدار الحکومه رفته و شکایت از آقاموسی نمایند آنها نیز با پرداخت وجهی حاکم را وادار ساختند که آن را بباخته گوی محبوب را بوسیله فراشان احضار و در حضور علمای یهود جریان ایمان باین امر را از او استفسار نماید. همیفته حکومت استفسار کرد آقاموسی بدون پروا اثبات حقانیت این ظهور را نمود - حاکم که مردی متعصب بود متغیر شده ایشانرا در حضور علمای یهود چونوکاری مفصل نمود و از کاشان اخراجش نمود.

اخوی بزرگ آقاموسی (میرزا اسحق متحده) در رشت بتجارت اشتغال داشت لهذا آقا موسی عیال و اطفال خود را در کاشان گذارده برشت رفت و پس از مدت قلیلی بلاهیجان مسافرت

آهنك بدیع

نمود رحل اقامت افکند و در آن شهر حجره‌ئی اختیار نمود که هم محل سکونت او بود و هم در آنجا بتجارت ابریشم و قماش مشغول گردید . در لاهیجان نیز مانند سابق بدون رعایت حکمت به تبلیغ امر مبارک مشغول و آبی زبانش از این موضوع باز نمی ماند تا آنکه در سال ۱۲۸۳ شمسی بتحریر مسلمین چند نفر بسرکردگی سید قصابی که بسیار مرد متعصب و ناپاکی بود برای اینکه صوابی کرده و در بهشت را بروی خود باز کرده در آخرت روسفید گردد در شبی که آن مرد بزرگوار برای کاری از شهر بیرون رفته بود در قبرستان عاقلیه واقع در جوار رودخانه لاهیجان سرراهش در کمین نشسته همینکه آموسی بقصد شهر مراجعت و وارد قبرستان گردید یکمرتبه بایشان حمله نموده و شهیدش میسازند و جسد مطهر آن مظلوم را در همان قبرستان بقولسی در چاه انداخته و بقولی در قبر کهنه‌ئی با لباس دفن و بکریلا و نجف فرار میکنند .

خبر مفقود شدن آنروح پاک همینکه برشت میرسد اخوی ایشان بلاهیجان رفته حجره را غارت شده مشاهده مینماید - خلاصه مدتی از این واقعه گذشت و کسی از سرنوشت آقاموسی اطلاعی نداشت و پس از یکسال یکی از قاتلین که از عتبات مراجعت نمود مآقع را تعریف و از این عمل افتخار مینمود و . . . مشهد و مدفن آن مستشهد فی سبیل الله را ارائه نمود - عیان آن شهید مجید نیز در همان سال در کاشان صعود کرد . اولاد و احفاد او بحمد الله در ظیل امرند .

خلاصه آقا غلامعلی که یکی از مبلغین کاشان بود مراتب را بارن مقصود عرض و لوحی بافتخار فرزندان ایشان از کلک گهر بار حضرت عبدالبهاء روحی لتراب اقدامه القدانازل که ذیلا درج میشود .

کاشان آقا غلامعلی اطفال جناب آموسی علیهم بهاء الله الابهی .

هو الله ای نهالهای گلشن الهی پدر بزرگوار بجانفشانی گامگار گردید و در مشهد فدایی با سرار عزیز جبار برد بجهان انوار شتافت و نصیب موفور از شعله طور برد آن خون پاک خاک را تابناک کرد و عنقریب ملاحظه خواهند نمود که از آن تراب نور جهانتاب ساطع و قلوب روشن و لایح والده عزیز نیز بآن جهان عازم شد و مملکت بقا راجع گشت محزون مباشید مخموم نگردید بشکرانه الهی زبان گشائید و مورد الطاف نامتناهی هستید و علیکم التحیه و الثناء ع

زیارت نامه‌ئی نیز باعزازش نازل گشته که فعلا در دسترس نیست .

گل سرخ « ماریان اندرسون »

MARIAN ANDERSON ROSE

بنام " رات اسمیت " (۲) عضو مشاور پارک
رُوز هیل مموریال (۳) نزد يك "لوس آنجلس"
پیشنهاد نمود جهت ایجاد اتحاد
ویگانگی بیشتر يك نوع گل سرخ بنام
یکی از مشاهیر نژاد سیاه نامگذاری شود و در
جشن سالیانه " عید گل سرخ " با اطلاع
عموم برسد .

جناب " ف ژوزف ماك كورماك " يك فرد
بهائی كهبا شعبه اطلاعات " رُوز هیل مموریال
پارك " همکاری مینماید پیشنهاد نمود كه گل
سرخ جدید بنام " هنرمند بزرگ و مشهور " ماریان
اندرسون " نامیده شود . این پیشنهاد فوراً
مورد تأیید قرار گرفت و جلب نظر نمود و لسی
" ماریان اندرسون " با لطف
و سادگی و مهربانی و خضوع فوق -
الصاده ای كه دارد این پیشنهاد

ایادی امرالله جناب لروی آیواس در
مراسم خاصی كه از طرف محفل مقدس روحانی
ملی بهائیان امریکا در روز يكشنبه سوم می
۱۹۶۴ بمنظور غرس گل ماریان اندرسون در
باغچه های حول مشرق الاذكار امریکا ترتیب
داده شده بود پنچین اظهار نمودند :

" غرس این شاخه گل سرخ زیبا منظر
عشق و محبت و پاکی و کمال بنام دوشیزه اندرسون
در باغچه های حول این معبد جهانی كه منظر
وحدت عالم انسانی و وحدت ادیان و وحدانیت
الهیة است بسیار شایسته و مناسب میباشد . . .
زیرا در واقع گل سرخ يك گل جهانی و بین المللی
است كه آدمی آنرا در هر گوشه جهان مینماید .
این گل سرخ دارای شرح و تاریخچه ای
بقرار ذیل میباشد :
در پائیز سال ۱۹۶۲ يك نفر سیاه پوست

(۱) - دوشیزه ماریان اندرسون یکی از هنرمندان سیاه پوست امریکائی و غیر بهائی است .

(۲) RATSMIT (۳) ROSE HILL MEMORIAL PARK

(۴) - این پارک در امریکا مخصوص یاد آوری و خادمانه ای از شهدای امریکائی در هنگام جنگ
بخصوص شهدای جنگهای داخلی امریکا کبرعلیه بردگی مبارزه نموده اند احداث شده است .

آهنگ بدیع

چند ماه بعد از این واقعه به پیشنهاد آقا و خانم "ماک کورماک" محفل مقدس ملی آمریکا از خانم "ماریان اندرسون" دعوت نمود که در مراسم غزس دوازدهم اصله از نهالهای گل سرخ "ماریان اندرسون" بیاس هنر ذی قیمت و با ارزشی که مردم آمریکا و جامعه انسانی برای خانم اندرسون قائمند در باغچه های حول مشرق الاذکار آمریکا شرکت نمایند دوشیزه "اندرسون" بانهایت دوستی و صمیمیت این دعوت را پذیرفت و زمان اجرای این جشن سوم ماه می ۱۹۶۴ تعیین گردید کمیسیون مخصوصی که برای انجام این جشن تعیین شده بود صدها کارت دعوت رسمی برای مقامات مذهبی و اداری و اجتماعی کشور تهیه و ارسال نمود و برای دعوت از خبرنگاران روزنامه ها و مجلات مختلفه - رادیو و تلویزیون و هماهنگی با سایر موسسات بهائی نهایت سعی و مراقبت را مبذول داشت مراسم جشن در ساعت دو و نیم بعد از ظهر روز سوم ماه می ۱۹۶۴ با ورود "ماریان اندرسون" به محوطه باغ در حالیکه در محبت ایشان دو نفر از اعضاء محفل روحانی ملی بودند شروع شد . جناب دکتر "داوید روهه" (۱) که

را جدی نگرفت بلکه فقط وعده داد هنگامی که در ماه مارچ ۱۹۶۳ برای اجرای کنسرتی به "لوس آنجلس" میروید از مراسم جشن گل سرخ نیز دیدن نماید . در خلال این ایام جستجو برای یافتن یک نوع گل سرخ بدیع و مناسبی که در اثر پیوند های مختلف بوجود میآید آغاز شد و بالاخره گل سرخی را که اخیراً دکتر "واهرلامه ریز" (۱) یکی از مشهورترین پرورش دهندگان گل سرخ در جهان تولید نموده بود انتخاب گردید این گل سرخ برنگ سرخ گیلاسی "با قلسب طلائی" بود . این گل سرخ انتخاب شده ، بالاخره مورد پسند و پذیرش "ماریان اندرسون" نیز قرار گرفت . اکنون میبایستی به تهیه مراسم نامگذاری پرداخت ماهها طول کشید تا زمان مناسب با وقت خواننده هنرمند هماهنگ شد و بالاخره ۸ اکتبر ۱۹۶۳ تعیین گردید در این روز در پارک "روزهیل" یک ضیافت چای ترتیب داده شد که در آن چند صد نفر از رجال برجسته از تمام نژادها و اجتماعات علمی و هنری لوس آنجلس شرکت داشتند . این جشن نخستین و یکی از بزرگترین و جالبترین مراسم در نوع خود بود که تا آنروز در آن ایالت سابقه داشت .

(۱) DR. DAVID S. RUHE

(۱) DR. WAHER LAMMERIS

آهنگ بدیع

که احساسات عمیقانه و پاک و صمیمانه او را پذیرند . تشکر و قدردانی خانم " اندرسون " نه فقط از این جهت بود که گل زیبائی بافتخاری نامگذاری شده بود بلکه بیشتر از لحاظ افتخاری بود که غرس گلی بنام وی در مشرق الاذکار بهائیان امریک نصیب وی گردیده است .

بعد از اینکه یکی از نهالهای گل سرخ " ماریان اندرسون " در محلی که قبلا آماده شده بود غرس گردید از خانم " اندرسون " دعوت شد تا در مراسم عمومی احتفال یکشنبه در داخل معبد شرکت نمایند . در این مراسم قسمتی از کلمات حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی نیز با آهنگ خوشی که سالها پیش جناب " چارلز ولکات " آهنگ آنرا ساخته بود تلاوت شد .

در این احتفال عده حاضرین بی اندازه زیاد بود . بعد از پایان احتفال عده ای در حدود دوست و پنجاه نفر از احباب و مهمانان فرصت آنرا یافتند تا از نزدیک با خانم " اندرسون " در صرف چای در سالن حظیرة القدس شرکت نمایند . مقارن شامگاهان یک عکس زیبای قاب شده از مشرق الاذکار ویلمت از طرف بهائیان ممالک متحده امریکا به خانم اندرسون که با غرس گل زیبای خویش در مشرق الاذکار بهائیان امریکارا مفتخر

سرپرستی جشن را عهده داشتند - دوشیزه " اندرسون " را بصلح شرقی باغ مسکائیکه گلها میبایستی غرس گردند هدایت نمودند ابتدا دسته گلی از گل سرخهای زیبای " ماریان اندرسون " که جهت تقدیم بایشان بوسیله هواپیما از کالیفرنیا رسیده بود بایشان تقدیم شد . در این مراسم نیم ساعته علاوه بر ایادی امرالله " لروی آیواس " نفوس محترمه دیگری نیز از شخصیت های برجسته محلی بافتخار " ماریان اندرسون " بیاناتی ایراد نمودند - مخصوصا آقای " جاکوب بارمور " ژنرال کنسول اسرائیل در ضمن بیانات خود آرزو کرد که گل سرخ " ماریان اندرسون " بزودی در مقامات مقدسه بهائی در جهل کرمل نیز که شهرت جهانی یافته اند غرس شود .

دوشیزه " اندرسون " در جواب تبریکات و تهنیت های که ضمن خیر مقدم بایشان گفته شده بود با چنان قدرت و فصاحت و زیبایی بیان مکنونات قلبی و احساسات خویش را ابراز نمود که همه حاضرین را مفتون خود ساخت .

ایشان احترام فوق العاده خود را نسبت به اهداف و اصول دیانت بهائی بیان نمودند از زیبایی بنای مشرق الاذکار سخن گفتند - مراتب امتنان و سپاسگزاری خود را تقدیم عموم بهائیان نمود و اظهار امیدواری کرد



(دوشیزه ماریان اندرسون در حالیکه از خیر مقدم منشی محفل روحانی ملی بهائیان امریکا اظهار تشکر مینماید)



(دوشیزه ماریان اندرسون در حالیکه یک دسته گل سرخ در دست دارند با ایادی امرالله جناب لروی آیواس و دکتر داوید روهه منشی محفل ملی امریکا صحبت میکند .)

نموده بودند تقدیم شد .
 ذیلا قسمتی از بیانات دکتر "روهه" که بعنوان خیر مقدم بخانم اندرسون ایراد شده بود نقل میگردد تا مراتب احترام و تحسین را که جامعه بهائی امریکا بمرزئ الیهما دارند روشن شود ایشان چنین گفتند :
 "بہتر است ماریان اندرسون را در ردیف خادمین ادیان قرار دهیم بچہ کہ ہنرش مبداء و اساس مذہبی دارد و روحش مانند ترانہ قدیمی است کہ عالم انسانی را بہ اتحاد و یگانگی میخواند . . . ما بانساندن این گل سرخ زیبا در این حدائق کہ از فراز دنیای

وسیع شرق و مہد امر الہی ناظر است نہ فقط اشواق و احساسات خود را نسبت بہ این دختر وارستہ و با احساسات ابراز میداریم بلکہ این حقیقت را تأیید میکنیم کہ از ما انسانہای بظاہر قاصر و حقیر نیز ممکن است کمالات و فضائلی کہ نمایندہ حقیقت انسانی ہستند بظہور و بروز برسند . . . دوشیزہ اندرسون مثال زندہ ای از یک حقیقت و غایت الہی است ؛ این حقیقت کہ تمامی افراد انسانی بہ ارزش باطنی و مقام معنوی خود واستعدادی کہ در استفادہ از مواہب خدادادی بظہور میرسانند شناختہ میشوند . . . اینک دوشیزہ اندرسون با نشاندن این نہال گل سرخ باغچہ های زیبای ما را روح میبخشد و باین گلہای سرخ نیز "قلب طلائی" حقیقی اعطاء میکند ."

بارعام

مقدم اردیبهشت باز بامکان

عرضه نموده استبس لاکو پنهان

دست طبیعت بیمن باد بهاری

گرد و غبار کهن سترد و دامان

فرش زمرد بکوه و دشت بگستر د

باد بجای سیه گلیم زمستان

دامن اشجار پر زرد شکوفه است

ژاله بگل همچو گوشواره مرجان

شاهد پستان بپا نمود بشادی

انجمنی نغز از طیور خوش الحان

بلبل شیدا که از شرار تمنی

داشت ز هجران بسینه آتش سوزان

یوم وصالش نمود واله و سر مست

در بر معشوق شد بشوق غزلخوان

خیز که سلطان کل بمصرف عنایت

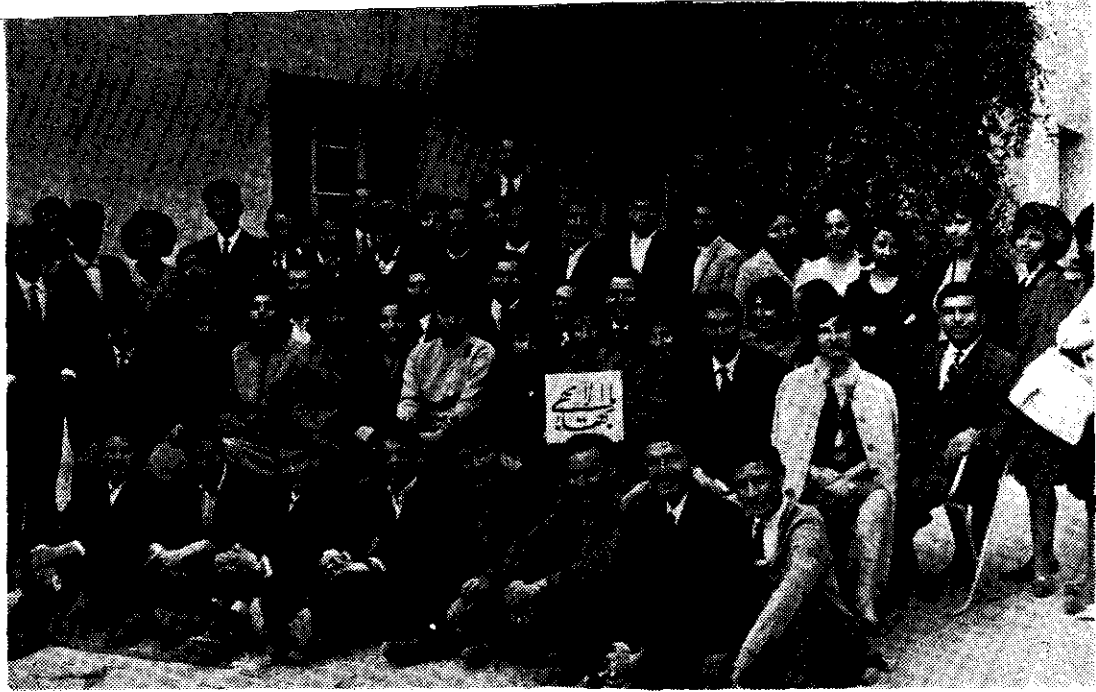
طرف چمن داده بارعام بیاران

جشن بدیع ربیع و موسم رضوان

باد مبارک به بلبلان گلستان

طلیعه اردیبهشت

وزید باد بهاری دگر ز طرف پیمان
یکی بجانب دشت و دمن بیا بامن
نگارخانه چین گشت باز دشت و دمن
که خیمه زد بچمن یاسمین و نسترون
بساز عیش و طرب گل بطرف باغ کشید
بهر غزار بر آورده مرغ زار غمروش
بیک نفس نشود بلبل از نوا خاموش
که عاشق است و کسی عاشقان خموش ندید
عروس نوگل سوری ز رخ نقاب افکند
نوا می مطرب و ساقی گشاید از دل بند
بود طلیعه اردیبهشت فروردین
چراغ عیش فروزد ز لاله و نسیرین
همه گل است و همه سوسن است و نقل و نینید
شده است دشت و دمن رشک روضه مینو
زنند نغمه که یا لاله الا هو
تبارک الله از آثار کردگار مجید
هوای باغ بود مشکبیز و عطر افشان
بیاد آنکه درین روز مظهر سبحان
وزین عنایت بر جسم دهر روح دمید
بجشن رضوان بنشین و دل زغم بزدای
چو فرصت است تورا گوئی از میان بریای
که وقت چون گذرد دیگرش نخواهی دید
بپیشگاه جلالش جهان نمود سجود
کمال یافت وجود از جمال رب وجود
خوش آنکه در ره وصلش دمی نیار امید
علا خموش چرائی که گاه گفتار است
فضای دهر مظهر ز جمد دلدار است
ز فیض بخت زید در جهان جان جاوید



(جمعی از جوانان شرق شمیرانات)



(جوانان بهائی زیسرك)
قسمت امری بیر جنسد

جشن بین المللی
جوانان بهائی
زاهدان



الساندرو بوزانی

زندگی و آثار یک دانشمند ایرانی

قسمت دوم

شرح حال بوزانی

سربازی خوانده شد و دو سال از اشتغال صرف و انحصاری بکارهای علمی باز ماند . ولی در همین دوره نیز از کار و مطالعه فرو نشست و در عمل نیز از معلومات خود استفاده کرد و ترجمه و سخنگویی زبان فارسی را در خدمت دولت بعهده گرفت . در اوایل سال ۱۹۴۳ با گذراندن رساله ای راجع به تحول تاریخی نحو فارسی باخذ درجه دکتری نائل آمد . بوزانی در دوران دانشجویی رشته های ذیل را نزد استادانی که نامشان یاد میگردد فرا گرفت : زبان و ادبیات عربی نزد پرفسور گابریلی (۳) فارسی و ترکی نزد پرفسور روسی - اردو نزد دکتر ریاض الحسن از اهالی دهلی - اسلامیات نزد پرفسور گویدی (۴) زبانهای ایران پیش از اسلام خاصه پهلوی نزد استاد ایرانشناس پرفسور پالیارو (۵) و عبری و

الساندرو بوزانی در بیست و نهم ماه مه ۱۹۲۱ (- ۸ خرداد ۱۳۰۰ شمسی) در رم بدنیا آمد و در همان شهر مد ارس ابتدائی و متوسطه را گذراند و وارد دانشگاه شد و بتحصیل یا بهتر بگوئیم ادامه و تکمیل تحصیل در رشته زبانهای شرقی پرداخت . ادامه از این جهت که وی از ۱۵ سالگی در نزد معلمین خصوصی و نیز در مدرسه زبانهای شرقی وابسته بمؤسسه شرقی رم (۱) آموختن زبانهای ممالک اسلامی یعنی عربی و فارسی و ترکی و اردو را آغاز کرده بود و این رشته را بعد از بخش خاورشناسی دانشگاه رم ادامه داد ولی هنگام آغاز بتحصیل در دانشگاه معلومات او بپایه ای بود که در همان سال اول از طرف پرفسور اتوره روسی (۲) - رئیس مدرسه سابق الذکر مأمور بتدریس عربی در آن مدرسه گردید . در ۱۹۴۱ بخدا

— ۱ — INSTITUTO PER L'ORIENTE
 — ۲ — ROSSI
 — ۳ — GABRIELI
 — ۴ — M. GUIDI
 — ۵ — PAGLIARO

آهنگ بدیع

و زبان‌شناسی تطبیقی سامی نزد پرفسور گوید^۵
و پرفسور فورلانی (۶) تاریخ مسیحیت در شرق
نزد پرفسور ریچوتی (۷) این استاد اخیرالذکر
در آن هنگام خطابه‌ای درباره تاریخ و عقاید
فرقه‌های بزرگ مسیحی در قرن پنجم میلادی
ایراد میکرد و بوزانی را در سال آخر تحصیل -
بمعاونت خویش در تنظیم سخنرانیهای مزبور
برگزید .

باری بوزانی پس از نیل بدرجه دکتری
بلافاصله با عنوان معلم و اطلب بتدریس
فارسی در دانشگاه رم مشغول شد و نظر
بتبحری که در زبانهای تاریخ ادیان و فرهنگ
خاورزمین بهم زده بود در همان سال بعنوان
ناظر بخش شرقی کتابخانه آکادمی لنینچی^(۸)
انتخاب گردید . اندکی پس از پایان جنگ
مؤسسه ایتالیائی خاور میانه و دور که مختصر آن
(ISMAEO) میباشد و بهمین عنوان (ایسمئو) معروف
است (که ریاست آنرا پرفسور توجی (۹)
برعهده داشت و (و تا امروز هم دارد)
بوزانی را دعوت بتدریس فارسی کرد و وقتی
که سازمان مؤسسه مزبور بر پایه ای جدید
نهاده شد تدریس اسلامیات و تاریخ ایران
و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات اردو به
بوزانی محول گردید . در ۱۹۵۱ برای

انتخاب معاون کرسی زبان و ادبیات فارسی
در دانشگاه رم مسابقه ای بعمل آمد و بوزانی
برنده گشت . در همین سال ریاست قسمت
برنامه های رادیو ایتالیا برای ایران و
افغانستان با و سپرده شد .

در سال ۱۹۵۴ باخذ درجه فوق دکتری
در رشته مجزا نائل گردید یکی در زبان
و ادبیات فارسی و دیگر در تاریخ ادیان .
کسانی که از اهمیت اخذ این درجه عالی
علمی و صعوبت آن آگاه اند میدانند که طی
موفقیت آمیز آن در رشته متفاوت آنها
هر دو در یک سال یعنی چه و دلیل است .
بر چه مایه از استعداد و اطلاع برای آگاهی
خوانندگان ایرانی بد نیست توضیحی عرض
کنم : در ایتالیا کسی میتواند اطلب
اخذ این درجه گردد که علاوه بر حائز
بودن مرتبه دکتری مقداری مقالات و انتشارات
علمی داشته باشد که از لحاظ کیفیت عمیق و
دقیق و دلیل بر پختگی و بصیرت تام و تمام
نویسنده باشد . و وقتی شخصی خود را واجد
این شرائط و قابل نیل باین پایه علمی دانست
باید تقاضانامه ای با یک نسخه از همه نوشته -
های خود بوزارت فرهنگ بفرستد . وزارت فرهنگ
هیأتی از متخصصان رشته مربوط تشکیل میدهد

آهنگ بدیع

مقدار آن زیاد و ارزش آن عالی باشد کافی برای داوطلب بودن نیست بلکه شخص باید رساله علمی مخصوصی زیر نظر یکی از استادان بنویسد که از تصویب جمیع استادان دانشکده بگذرد و خطابه خود را هم باید در حضور کلیه استادان ایراد کند و آنها حق دارند که نه فقط راجع بموضوع نطق و یا حتی رشته تخصص داوطلب بلکه درباره رشته های دیگر نیز سئوالاتی کلی بکنند و میزان معرفت و حدود مطالعات وی را بسنجند .

باری بوزانی در سال تحصیلی ۵۶ -

۱۹۵۵ و یک دوره درس بعنوان ادیان جدید در دانشگاه رم برعهده داشت و در همان سال در همان دانشگاه استادیدون کرسی زبان و ادبیات فارسی گردید و همین مقام را برای زبان و ادبیات اردو و هندوستانی در مدرسه عالی زبانهای شرقی وابسته به دانشگاه ناپل (۱۱) بدست آورد در سال ۱۹۵۷ باوج مقامات دانشگاهی رسید و کرسی زبان و ادبیات فارسی در مدرسه مزبور بوی مفوض گردید و اکنون علاوه بر آن تدریس زبان اردو و هندوستانی هم برعهده اوست ضمناً در دانشگاه رم همچنانکه گذشت زبان و ادب فارسی را از سال ۱۹۵۵ تدریس میکرد و اخیراً یعنی در ۱۹۶۲ رشته

اعضای این هیئت باید نوشته های آن داوطلب را بخوانند و ارزش آنها را معین کنند نتیجه این مطالعه و بررسی اگر مثبت و موافق بود آنگاه وزارت فرهنگ (یا همان هیأت) روزی را برای گذراندن مرحله نهائی کار معین میکند و روز قبل از موعد مزبور اعضای آن هیئت دو موضوع بشخص داوطلب میدهند و او مختار است که یکی از آن دو را برگزیند و باید فردای همان روز درباره آن موضوع در حضور هیئت متخصصان یک خطابه یک ساعته ایراد کند اگر از عهده این دشوار برآمد و تسلط خود را نسبت بموضوع و احاطه اش را بکتب و مقالات و مأخذ مربوط بآن نشان داد و قدرت استدلال و فصاحت بیان داشت و در تنظیم خطابه و بحث مسائل ثابت کرد که سنت علمی لازم دانشگاههای اروپا را شناخته و ذهن و طرز تفکر خود را بکلی با آن تطبیق و تربیت کرده است آن وقت باو درجه فوق دکتری (۱) میدهند که وی را محق بگرفتن مقام دانشیاری (بشرطی که محلی موجود باشد) میسازد . این جریان در همه ممالک یکسان نیست و مثلاً در آلمان دانشگاه اداره جریان امر را در دست دارند نه وزارت فرهنگ و همچنین داشتن مقالات و انتشارات هر قدر هم که

آهنگ بدیع

و شرح کرده و مقالات بسیار راجع بشعر و فلسفه آن نابغه بزرگ نوشته است . همچنین بوزانی را باید یکی از نخستین دانشمندان غرب دانست که ادبیات اردو را در باختر مشهور ساخته و عالی ترین کتاب موجود را درباره تاریخ ادبیاتهای پاکستان نوشته است . باین دو علت مردم پاکستان حق شناسی و محبت خاصی نسبت به بوزانی میورزند و هر وقت که بآن سر زمین سفر میکند با گرمی تمام از او استقبال و پذیرائی می نمایند و از شرائط مهمان نوازی و تمظیم و تکریم نکته ای فروگذار نمی کنند . چنانکه گذشت یکی از دو رشته عمده تخصص بوزانی تاریخ ادیان است و استاد این علاقه و اطلاع را با تبحری که در ادبیات دارد در هم آمیخته و توانسته است در ادبیات ملل شرقی نه تنها از جهت تاریخی و ادبی و زیبایی سخن و اشکال و مضامین شعر تجسس نماید بلکه اندیشه ها و عقاید منعکس در آثار این ملل را هم بدقت تحقیق نماید و کتب و مقالاتی در این زمینه منتشر سازد . وی عضو مجمع بین المللی علمای تاریخ ادیانست و در کنگره های جهانی مربوط باین رشته شرکت میکند . در دائرة المعارف کاتولیک ها که از طرف دربار واتیکان چاپ

اسلامیات نیز با و محول گشت . اکنون که چهل و دو سال از عمر استاد میگذرد شهرتی عالمگیر کسب کرده و در دو دانشگاه رم و ناپل مشاغل و مقامات مذکور را عهده دار است با مجلات علمی و اختصاصی متعدد در اروپا و خارج از اروپا همکاری میکند و عضویت انجمنهای علمی و ادبی ملی و بین المللی مختلف را داراست در سال ۱۹۵۵ (ایسمثو ۱۲) وی را مأمور نمود که در دانشگاههای پاکستان نطقهائی ایراد کند . در این مسافرت استاد بوزانی راجع بمواضیع گوناگون مانند " هندوستان بیرونی و هندوستان بابرشاه " محمد اقبال " تاریخ خاورشناسی در ایتالیا از قرون وسطی تا امروز " و امثال آن سخنرانیهای در دانشگاههای کراچی و حیدرآباد سند و پشاور و لاهور و داکا و راجشاهی ایراد نمود و شهرت و محبوبیتی فوق العاده در میان دانشگاهیان و دانشمندان آن کشور بدست آورد . این عزت و احترام خاصی که مردم پاکستان نسبت بوی در سفرهای متعدد نشان داده اند علاوه بر لیاقت شخصی استاد مربوط باین حقیقت هم هست که بوزانی مطالعاتی دقیق درباره پدر پاکستان سر محمد اقبال بعمل آورده چندین اثر او را به ایتالیائی ترجمه

آهنگ بدیع

بیش طولانی به پاکستان کرده و هر بار از ایران هم عبور نموده و در دانشگاه طهران نیز نطقهائی بزبان فارسی ایراد کرده است. تهیه فهرستی کامل از

تألیفات بوزانی نوشته های پرفسور بوزانی کارآسانی نیست و وقت زیادی میخواهد زیرا مقالات او خیلی پراکنده است و در بسیاری از مجلات اروپا و آسیا آنها نه فقط مجلات مخصوص بتحقیقات خاورشناسی چاپ شده است. وی تنها در رشته شرق شناسی تاکنون ۱۲ کتاب مستقل و بیش از هشتاد مقاله که پاره ای از آنها ۷۰ - ۶۰ صفحه حجم دارد و خود رساله های متین و دقیق و جامع بشمار میرود تألیف یا ترجمه نموده است و ما اینک اسامی آن کتب را می آوریم و تنها یکی را باجمال معرفی مینمائیم

۱- IL POEMA CELESTA

ترجمه جاوید نامه اقبال لاهوری با شرح و تفسیر و مقدمه مفصل که در ۱۹۵۲ از طرف مؤسسه معروف ایسمئو در رم چاپ

۲- IL CORANO

ترجمه قرآن مجید با مقدمه مشروح (۸۰ صفحه مقدمه - ۴۹۸ صفحه ترجمه متن کتاب

شده است مقالات متعدد درباره ادیان شرق بقلم اوست در کتاب تاریخ ادیان که جمعی از دانشمندان زیر نظر نیکلاتورکی (۱۳) در تألیف آن همکاری کرده اند فصل اسلام را وی نگاشته است (چاپ رم ۱۹۳۶ - چاپ دوم ۱۹۵۱) در چاپ جدید دائرة المعارف اسلام هم چندین مقاله از اوست.

در ایتالیا مجله ای چاپ میشود که علاوه بر مقالات مواد و مطالعات مربوط به تاریخ ادیان و مذاهب در آن ثبت میگردد و بوزانی از سال ۱۹۵۵ باین طرف با این نشریه همکاری میکند. دیگر از آثار مهمی که وی در تألیف آن سهم است دائرة المعارف ایتالیائی نمایش میباشد که در دست تهیه است (۱۴) بوزانی درباره زرتشت هم دارای مطالعاتی است و هر چند در این رشته از متخصصان عمده عالم محسوب نمیشود ولی از جمیع تحقیقات و مطالعات مربوط بآن آگاه بوده و مقداری هم از متون پهلوی زرتشتی را به ایتالیائی ترجمه و بصورت کتاب نشر نموده است که بعدا ضمن فهرست آثارش خواهیم دید.

باری بوزانی تاکنون چندین سفر کم یا

آهنگ بدیع

مهم بوزانی تاریخ ادبیات فارسی که پس از این منتشر گردیده است هر چند بسیار ^{لنشین} گرانبها و بدع و در سبک خود تازه و بد است ولی مطالب آن لا اقل برای ما ایرانیان تازه نیست و با داشتن این همه کتاب تاریخ ادبیات که یا در ایران تألیف یافته یا از زبانهای دیگر ترجمه شده است نیازی شدید بکتابی جدید نداریم. ولی اطلاع ما از تاریخ ادیان و عقایدی که یا از ایران برخاسته یا از خارج (مثلاً عربستان) بکشور ما آمده است و فرق و مذاهیبی که در این سرزمین از آن ادیان جدا شده و انقلابات فکری و روحی که هر کدام برانگیخته و تأثیری که در شعر و ادب فارسی خاصه در میان متصوفه بجا گذاشته است بطلبی است که ما در ایران بدانستن آن محتاجیم. چنین کتابی در حقیقت تاریخ عقاید و فلسفه در ایران است و آگاهی ما از این مباحث و مسائل خاصه از تاریخ تطور آن و تأثیراتی که در یکدیگر داشته اند (از دانشمندان و خواص که بگذریم زیرا آنها همیشه در اینگونه قضاوتها جزء مستثنیات اند) بسیار ناچیز و از هم گسیخته است و گمان نمیکم که از حد و روایا و منقولات نادرست عوامانه یا غرض آمیز و تمصب آلود که فقط بدرد توده های بیسواد میخورد و برای تحریک جهال و لگرد بریختن و

۲۴۰ صفحه یادداشتها و توضیحات ۴۰

صفحه فهارس (چاپ فلورانس

POESI DI M. IQBAL — ۳

گلچین از اشعار محمد اقبال (ترجمه از

فارسی و اردو) با حواشی مفصل چاپ

پارما ۱۹۵۶ .

QUARTINE DI OMAR KHAYYAM

— ۴

ترجمه رباعیات خیام چاپ تورینو ۱۹۵۶ —

AVICENNA OPERA POETICA — ۵

ترجمه اشعار ابن سینا چاپ رم ۱۹۵۶ ح

TESTI RELIGIOSI
ZOROASTRIANI — ۶

ترجمه متون دینی زرتشتی چاپ رم ۱۹۵۷

STORIA DELLE LETTERATURE
DEL PAKISTAN — ۷

تاریخ ادبیات پاکستان ۳۷۰ صفحه

چاپ میلان ۱۹۵۸

PERSIA RELIGIOSA — ۸

ایران دینی یا ادیان ایران از زرتشت

تا بهاء الله ۵۴۲ صفحه با ضافه ۵۲ عکس

چاپ میلان ۱۹۵۹ .

این کتاب بنظر نگارنده دقیق ترین مهم ترین و از حیث ابتکار و ابداع اصیل ترین و نفیس ترین کتابی است که تاکنون استناد بوزانی بحالم علم اهداء نموده است و اگر روزی در ایران بخواهند فقط یکی از آثار بوزانی را بفارسی در آورند بمقیده بنده باید این کتاب را برگزینند زیرا سومین کتاب

که بوزانی با دقت و صحت کامل که شایسته
یک دانشمند امروزی است تاریخ پیدایش و
تحولات آنرا از آغاز تا امروز ارائه میدهد و
اصول اساسی و نظم جهانی آن را وصف
میکند .
STORIA DELLA LETTERATURA
PERSIANA — ۹

تاریخ ادبیات ایران ۹۱۴ صفحه
چاپ میلان ۱۹۶۰

TRE TRATTATI MISTICI DELL'
ISLAM — ۱۰

سه رساله عرفانی اسلامی چاپ فلورانس

۱۹۶۲ .

— ۱۱ —
PERSIANI

ایرانیان ۲۹۷ صفحه چاپ فلورانس ۱۹۶۲

— ۱۲ —
MALESIA POESIE ELEGGENDE

اشعار و حکایات مالزی میلان ۱۹۶۳ .

این بود فهرست کتب پرفسور بوزانی . و اما
رسالات کسوجک تر و مقالات بوزانی که در
مجلات یا دائرة المعارف ها و مجموعه های
بزرگ مخصوص بمعرفی السنه و ادیان گوناگون
بچاپ رسیده بسیار متعدد و از ۸۰ متجاوز
است و بر شمردن همه آنها در این مقاله
البته ممکن نیست

** * *

** * *

و سوختن و کشتن بگاز میروند تجاوز بکنند و
اصولا علم ادیان با آنکه در کتب عربی و
فارسی مؤلفان قرون گذشته بی سابقه
نیست در ایران امروز بصورت علم هنوز غریب
و ناشناس است و در دانشگاههای مانیت
یا اگر هست اساسی صحیح ندارد .

کتاب "ایران دینی" بقلم مردی است که هم
در علم ادیان و تاریخ مذاهب عالم استاد
مسلم و هم در ادبیات فارسی و تاریخ ایران
چیره دست و خیره است و بهمدین جهت
افقی وسیع دارد و آثار و تاریخ عقاید محیط
است . تنها جزء را نمی بیند بلکه کل را
هم می شناسد و موقع و منزلت هر جزء را در
این سلسله پیچ اندر پیچ بخوبی معین
میکند .

درباره هر یک از ادیان یا فلسفه ها یا
فرقه های دینی ایران علما تاکنون مقالات و
رسالاتی نوشته و کمتر نکته مجهولی باقی
گذاشته اند ولی کتابی که یک جا تمام داستان
دینی و فلسفی ایران را از آغاز تا امروز
آورده و از جمیع منابع موجود استفاده نموده
و اصل وحدت موضوع و پیوستگی مطالب را
مراعات کرده باشد آنها را سبکی چنیس
بدیع و جذاب تاکنون نوشته نشده بود .

آخرین فصل این کتاب در شرح آخرین
نهضت دینی یعنی آئین بابی و بهائی است

نامه از بابت جواب

ترجمه نامه امة الله GROADBELL HELEY

که بخواهر روحانیش امة الله "میگنن" MIGNON مرقوم داشته و ایشان عین نامه او را برای حضرت ایادی امر الله جناب ذوالله خادم علیه بهاء الله ارسال نموده است .

قسمت اول

مقدمه بقلم خانم "میگنن"

لفا نامه ای را که اخیرا از خواهر گرامی GROADBELL HELEY

که در "بلوفیلد" BLUEFIELD واقع در (نیکاراگوا) ساکن است رسیده تقدیم میدارم .

من و ایشان دو خواهر صمیمی روحانی هستیم از خواهران جسمانی نزدیکترین با وصف این مشارالیهها هرگز از آنچه در میان سرخ بوستان بر او میگذرد بمن چیزی نگفته است . هرگز تاویل نیست که کسی از مضائب زندگی با خبر باشد ولی بالاخره بر حسب اصرار من شمه ای از احوال خود را در سطرهای تبلیغی مرقوم داشت و از اینکه نامه اش را برای شما میفرستم اطلاعی ندارد و هرگز هم در این باره با او چیزی نخواهم گفت .

او دارای چنان خضوع و فروتنی است و چنان خویشتن را فراموش نمود که با تن رنجور و با تحمل مرض رماتیسم که گاهی قدرت حرکت را از او سلب مینماید سالهای سال همچنان بخدمات خویش مألوف و سرگرم است و همواره دارای روحیه عالی است .

او از کسی پاداش طلب نمیکند و معتقد است که بزرگترین پاداش او همان خدمات روحانی او است و من اطمینان دارم که شما نیز با خواندن نامه از موفقیت های او سرور خواهید شد .
با تقدیم تحیات قلبی
"میگنن"

میکن عزیز: پارچه و هدایای ارسالی اصل گردید و از اینکه مرا یاد نموده ایسند متشکرم. راستی شما چرا با وجود مشکلات مالی اینهمه پول برای من خرج کرده اید؟ ولی تصور نفرمائید که لحظه ای محبت های شما را فراموش میکنم. برای آنکه بدانی تا چه پایه نسبت بشما سپاسگزارم میگیم که گذشت زمان آنچه را که هنگام عزیمت به "بلوفیلد" همراه داشتیم تمام کرده و از آنوقت تاکنون موفق نشده ام دیگر چیزی بخرم. تصور میکنم حضرت بهاء الله شما را بر آن داشته که این هدایا را برای من بفرستید وگرنه معلوم نیست چه پیش میآید لباس من اکنون چنان ژنده و فرسوده است که از تصور اینکه با این وضع به ماناگوا بروم شرمندگی احساس میکنم — چه رسد که بخوادم از این مملکت ^{خارج} بشوم.

مدرسه تابستانی ما در نوامبر شروع میشود محفل روحانی ^{طبیعی} متعاقب آن تشکیل خواهد شد و انشاءالله ماه سامبر نزد شما خواهیم بود آخرین نامه شما را که موجد مسرت فراوان گردید — دریافت نمودم وقتی آنقسمت از نامه شما را که حاکی از سرور و فراغ خاطر آن دوست عزیز بود خواندم چقدر رنجشوقت شدم برای راجع به مسافرت نباید حتی برای يك لحظه هم فکر کنید که آن سفرها کافیهست. هرچه مسافرت ها مشکلتر باشد بهمان درجه ثمراتش عالی تر است. شما باید بروید بازهم هروقت ممکن شود بروید و پیوسته مترصد فرصت باشید ولو امکانات کافی فراهم نباشد باید بهر حال بمسافرت اقدام نمائید.

بخاطر دارم یکبار وقتی از جنگلی میگذشتم و رد پای ببری که بتازگی در زمین نقش بسته بود در مسیر ما بود — راهنمای خرد سال ما مرتبا از من می پرسید "آیا نمیخواهید برگردید؟" تنها چیزی که برای حفاظت خود داشتیم يك قهقهه بود ولی من ترس نداشتم — ماهواره در خطر برخورد با گله های گاو کوهی بودیم که بسرعت در برابر ما پدید می آمدند و تنها راه نجات برای ما رفتن بالای درخت بود. در ایام جوانی میتوانستم از درخت بالا بروم ولی با آنکه الان فکر نمیکنم بتوانم بسرعت از درختی بالا بروم و جیبی وجود ندارد که مرا از رفتن بازدارد — بواقع فکر میکنم که هیچ چیز افتخار آمیز تر از مرگ در راه خدمت نیست.

وقتی از میان آن جنگلهای که دنبال رد پای ببرها میفرقتیم خارج شدیم ناگهان يك تصاع عظیم الجثه پیدا شد که در فاصله بسیار نزدیکی در ساحل آفتاب گرفته بود. از ترس زبانمان

آهنگ بدیع

بند آمد گوئی در جای خود خشک شدیم - تمساح با هستگی خود را بآب انداخت ما نفسی آسوده کشیدیم - ولی جالب اینجا بود که ما اجبار داشتیم از همان قطعه آب عبور کنیم - آب هم عمیق تر از آن بود که مسیر حرکت تمساح را مشخص کنیم . همینقدر میگویم که حضرت بهاء الله ما را در همه حال حفظ میفرمود - وقتی از دهکده بومیان سرخ پوست حرکت کردیم و بسوی دهکده میرفتیم چندین دفعه باران شدید بارید - حتی آن دو پسر و یک مردی که در این قسمت راه مرا همراهی میکردند متوجه این نکته شدند که هر دفعه که باران شروع میشد ما درست در مقابل یکتو پناهگاهی قرار می گرفتیم و این حقیقتا معجزه آسای بود .

بخاطر دارم که در اولین سفر بایک قایق کوچک حرکت میکردیم دریا طوفانی بود - من شنا نمیدانم میتوانی در این چنین موقعی حال مرا حدس بزنی واگر هم شنا میدانستم دریا در تمام سواحل شرقی ملو از کوسه های خطرناک بود - اگر مسافری بدریا بیفتد و نتواند فوراً بصرشه بازگردد امیدی بحیاتش نخواهد بود در همان سفر در خانه ای سکنی کردیم که قاعد در و دیوار بود از همه طرف اطراف ما باتلاق و بوته زار بود . در تمام شب صدای گوش خراش میمونها شنیده میشد . مدام فکر میکردم که مبادا مارها نزدیک شوند بعلما و به بستر من خارج از طاق بود ولی برخلاف تصور من آنشب از مار و مور خبری نشد ولی در عوض رگبارهای شدید مرا سراپا خیس کرد هیچ اتفاق افتاد که در شبی سرد سراپا خیس بخوابید ؟ براستی حالت ناراحت کننده ای است .

در همین نقطه اولین غذای ما ماهی سرخ کرده و موز سبز بود که در شیر نارگیل پخته شده بود من با خود فکر میکردم که هیچ سلطانی اینهمه از غذای خود لذت نبرده است چون مدتها بود این اندازه غذا نخورده بودم . سه روز بیشتر آنجا نبودیم . قبل از حرکت غذائی که میخوردم فقط موز سبز بود که در آب پخته میشد و چاشنی آن تنها نمک بود ولی صبح روز حرکت نمک هم گیرمان نیامد که با آب مخلوط کنیم اما راضی و شاکر بودیم که لااقل همان موز سبز دیر هضم بدست میآید .

اما خواهر عزیز در اینجا بود که متوجه شدم که چنین پیش آمدها در زندگی لازم است که انسان قدر چیزهای بظاهر بی اهمیت را بداند در این سفر دوسه روزی میبایست با کرجی در رودخانه حرکت کنم در آفتاب تند در قایق نشستن خیلی ناراحت کننده است بطوریکه وقتی رگبار میگرفت و گاهگاه ما را خیس میکرد خدا را شکر میکردیم که اندکی از شدت گرمای آفتاب

آهنگ بدیع

میگاست - بعد از باران و خیس شدن باز خدا را ثنا می‌گفتیم که آفتاب بر ما میتابد تا بدن خیس ما را خشک کند . بدین ترتیب روزها میگذشتو ما در همه جا یا بهاء الابهی گویان ایام خوشی داشتیم . در این موقع دیگر جز نارگیل و نیشکر چیزی برای خوردن پیدا نمیشد ساقه نیشکر را میجویدیم و نارگیل میخوردیم تا روزگار بهتر شد . وقتی بهتر شد که ما بخانه روستائی رسیدیم و خانواده روستائی بما چند موز رسیده دادند و در جای دیگر تا آنجا از ما استقبال کردند که بگذارند از درخت پرتقال بچینیم و هر چه میخواستیم بخوریم . قدری هم با خود برداشتیم اما وقتی تمام شد دوباره سراغ نارگیل و نیشکر رفتیم با خره کار بجائی رسید که دهان بینوای من دیگر قدرت جویدن ساقه نیشکر نداشت اما بلطف الهی آنقدر ذخیره آب پرتقال در بدنم وجود داشت که تا موقع رسیدن بد همکده بعدی رمقی داشته باشیم . در سفر بد همکده دیگر - یادم هست وقتی باآبادی رسیدیم حتی یک نفر مردم در آنجا نبود که برای ما ماهی بگیرد . همه آنها برای شکار لاک پشت رفته بودند زیرا خوب فروش میرود . در مدت یک هفته ای که آنجا بودیم غذای مانوعی نان محلی بود که با میوه و پوکا و کاکائو و سیب زمینی شیرین میسازند برای صبحانه و شام و نهار در تمام مدت هفته غذای ما همان بود در چنین محل ها داشتن پول بدر نمیخورد زیرا چیزی برای خریدن وجود ندارد نه برنج نه چیز دیگری من از خوردن آن غذا خسته شده بودم ولی باز هم از این نظر که تنوعی داشت غذا منحصر به موز نبود شاکر بودم بعلاوه یاد گرفته بودم که با شامم فلفل شیلی بخورم و این تنوعی ایجاد تنوعی در غذا میکرد که مزه شام من با صبحانه و ناهار فرق داشته باشد . بد نیست بدانی که روز بعد مردی بد همکده برگشت و مقداری گوشت IGUANA که نوعی سوسمار است با خود آورد میخواست که قدری از آن گوشت برای شام من بفرستد اما در همین جا بود که باز بخت بما رو کرد آنهم بخت ناساز زیرا قبل از اینکه گوشت برای خوردن حاضر شود کرجی ما بسوی " بلوفیلد " حرکت کرد . چه میشود کرد زندگی همین است .

(پایان قسمت اول)

~~~~~

~~~~~

~~~~~

~~~~~


شرح تصدیق جناب عبودیت

علیه السلام - زلف

تصدیق خود در جاسب ذکر میکرد . جاسب دهستانی است که در میان قم و کاشان واقع و مرکب از هفت ده میباشد . در سه ده از این هفت ده در ابتدای امر نفوسی بامر حضرت اعلی و سپس حضرت بهاء الله مؤمن گردیدند و این سه ده عبارتند از کروگان - واران - و سقونقان . یکی از شهدای معروف دوره بیان جناب ملا جعفر جاسبی از ده کروگان بوده که همسرش نیز بنام ملا فاطمه مؤمن بوده و برادرش میرزا غلامرضا نیز بتوسط همین خواهر مشرف بایمان گردیده است . میرزا غلامرضا در قم و کاشان و طهران دایم مشغول تبلیغ بوده و از تبلیغ شدگان بوسیله وی از جمله همین جناب عبودیت بوده است . بطوریکه جناب عبودیت خود نقل کرده است : « من مسلمانم بسیار مقدس و متعصب بوده و وقتی در قم اشتها نمی یابم که طایفه بابیه مدعی هستند که دیانت اسلام بظهور حضرت بناب نسخ شده است تصمیم میگیرم برای ارتقای روح خود و رستگاری در دنیا و آخرت یک فرد بابی را پیدا کرده او را بکشد تا از این راه ثوابی

در شماره های ۷ و ۸ سال ۱۳۰۱ آهنگ بدیع شرحی بقلم ایادی امرالله جناب ابوالقاسم فیضی راجع بجناب استاد اسمعیل قمی (عبودیت) ملاحظه شد که از هر جهت کامل و مخصوصا حاوی شرح زحمات و خدمات جناب عبودیت در سبیل تبلیغ و مسافرت های وی و از جمله سفر عشق آباد و مشارکت در ساختمان مشرق الان کار آن سامان بنمایندگی از طرف حضرت عبدالبهاء روحی لرمسه الاطهر فد ابود . ولی راجع به تفصیل تصدیق و نحوه تشریف او بامر مبارک بیانی نشده بود . جناب عبودیت از چهل سال پیش که فدوی بطهران آمده مشغول تحصیل بودم مرتباً بمنزل ما آمد و شد میکرد چون مبلغ و واسطه تصدیق ایشان جناب میرزا غلامرضای جاسبی پدر بزرگ حقیر بوده که او را پدر روحانی خود مینامید و به ما که نوه های وی بودیم (پسران محمد علی روحانی جاسبی پسر میرزا غلامرضا) علاقه تام و محبت بسیار داشت حتی گاهی در مواقع شوخی اظهار میداشت (لولا الجاسبیون لهلك الغیون) و این مطلب را بمناسبت

برده باشد تا اینکه میشوند که در رقم دو نفر بنام نداف ها دکانی دارند و بایی هستند جناب عبودیت بقصد انجام نیت خود بدکان آنها میروند و شروع بصحبت میکنند صاحب دکان ابتدا شرح مفصلی از حضرت موسی و حضرت مسیح و حضرت رسول اکرم و مخالفت هائیکه مردم در هر عصر و زمان با آنان کرده اند و صدمات و بلیاتی که آنان تحمل فرموده اند بیان و نتیجه گرفتند که هر زمان پیغمبری آمده با مخالفت مردمان نادان و علمای خود پرست روبرو شده است . بعد جناب عبودیت میگوید شنید هام شما بایی هستید جواب میدهند هر کس میگوید غلط میکند (برای اینکه در آن زمان به سائی بوده است) اگر میخواهی بایی بشوی برو نزد غلامرضای جاسبی (زیرا این شخص در قم نیز معروف و بایی بودنش مشهور خاص و عام بود) خلاصه صاحب دکان فوق اظهار نمیکند که جناب عبودیت بتواند به بایی بودن وی یقین و خدای نخواسته آنچه در دل داشته انجام دهد ولی چون شغلش نجاری بود و در جاسب هم با استاد حسین نامی که از اعدای امر بود طرف حساب بود برای خرید چوب بجاسب هزیمت کرد ولی هدفش جاسب رسیدن بشوای اخروی و بزعم خودش قتل یک فرد بایی چیز دیگری نبود .

روزی که جناب استاد در دکان استاد

حسین فوق الذکر نشسته و درباره غلامرضای جاسبی با وی صحبت میکرد میرزا غلامرضا از جلودکان گذشته و با استاد حسین سلام و احوالپرسی نمود استاد حسین با اشاره به جناب عبودیت فهمانید که این شخص همان میرزا غلامرضا است و او را نیز به میرزا غلامرضا معرفی نمود میرزا غلامرضا بدعوت استاد حسین وارد دکان شده در گوشه ای نشست ولی پیش از چند دقیقه ای صحبت نکرد آنهم درباره مطالب کلی و عمومی بود و رفت ولی همان چند کلمه مختصر او استاد اسمعیل قمی را مجذوب خود ساخت بطوریکه فی المجلس در نزد استاد حسین از میرزا غلامرضا و آنچه که از او شنیده بود تعریف و تمجید نمود بهمین دلیل هم استاد حسین پس از آن همیشه مراقب و مواظب استاد اسمعیل بود که مبادا با میرزا غلامرضا محشور شود . مدت چهار ماه استاد اسمعیل با استاد حسین معاشر بود تا اینکه مقدار زیادی چوب خریداری و از استاد حسین تقاضا کرد آنها را بقم ببرد و پس از رفتن وی خود عازم منزل میرزا غلامرضا شد و از بایی بودن او سؤال کرد . میرزا غلامرضا ابتدا راجع به پیغمبران گذشته و نبوات آنان صحبت کرد و سپس تاریخچه ظهور حضرت اعلی و مؤمنین اولیه و جانفشانی های آنان و بعد ظهور منیظهره الله (لطفاً بقیه را در صفحه ۸۰ ملاحظه فرمائید)

عکسهای تاریخی

عکس بسالا (صفحه مقابل)

جمعی از متقدمین دوره میثاق

ردیف نشسته از راست به چپ :

- ۱- جناب آقا محمد رضا قنار ۲- جناب سلیمان تنکابنی (جمال افندی) (۱) ۳- جناب میرزا هادی افنان ۴- جناب زین المقربین ۵- جناب آقا میرزا محمود کاشانی .

ردیف ایستاده از راست به چپ :

- ۱- (شناخته نشد) ۲- جناب میرزا ابوالقاسم گستانه ۳- جناب حاجی نیاز ۴- جناب مشکین قلم ۵- جناب حاجی میرزا حیدرعلی صفهانی

(۱) - اولین مبلغی که با مر مبارک به هند وستان و برمه مسافرت کرد و شرح احوال او در (تذکره الوفا) مدنج است .

عکس پائین (صفحه مقابل)

جمعی از احبای میاندواب در پنجاه سال قبل

این عکس جمعی از احبای میاندواب (آذربایجان) را در محفلی که بمناسبت ورود جناب حاجی میرزا حسین اخ الشهید (برادر حضرت ورقا) منعقد شده بود نشان میدهد (همه این نفوس محترمه بجز جناب احمد پور بملکوت ابهی صعود نمود هاند) این عکس را جناب احمد پور ارسال نموده اند که بدینوسیله از ایشان تشکر مینمائیم .

ردیف نشسته از راست به چپ :

- ۱- جناب حیدرقلی خان معترف ۲- جناب حاجی علیمحمد آقا میلانیان (احمداف) ۳- جناب حاجی میرزا حسین اخ الشهید (برادر جناب ورقا) ۴- جناب سید زین العابدین شهبستری ۵- جناب سید محمدعلی امیرنژاد .

ردیف ایستاده از راست به چپ :

- ۱- جناب میرزا محمد حسین شهیم ۲- جناب عنایتالله احمد پور ۳- جناب میرزا عباسقلی بنابی ۴- جناب حسین لامع .



لطفأً بشرح صفحة مقابل
مراجعه فرمائيد



آهنگ بدیع

وحدت بهائی (بقیه از صفحه ۵)

انتخاب مینموده آن بیت العدل اعظم بود والسلام ع ”

بر اثر این نصوص متعالیه صریحه واضحه است که در زمان ما عاشقان وحدت بهائی چون پروانه گرد شمع ملکوتی یعنی بیتالعدل اعظم الهی میگردند و خود را بی پروا بر این آتش میزنند و فرمان آن مرکز منصوص و مرجع مخصوص را که منشور آسمانی وید ستور رحمانی است بجان و دل گردن مینهند و خویش را خوشبخت و سرفراز میدانند که در ظل ^{چنین} آفتابیتش ملهم و معصوم مستظل شده و شوک شکوک را بنا بر معرفه الله سوخته اند .

قطوبی لنا من هذا الموهبة العظمی والمنقبة الكبرى .

میسیس دروتی بیکر (بقیه از صفحه ۵۵)

این عبد اطمینان دهید روح پرفتوحش مشمول الطاف و عنایات لانهایه الهی است . مقتضی است محفل تذکری شایسته مقام و خدمات جاودان او در مشرق الانکار منعقد سازید . امضای مبارک .

شرح تصدیق جناب عبودیت (بقیه از صفحه ۷۷)

حضرت بهاء الله موعود کل ادیان و ملل و متحد کننده تمام قبایل و اجناس را بیان نمود و چون نزدیک ظهر بود استاد اسمعیل را به نهار دعوت نمود استاد هم بی اختیار و من دون اراده در بی او روان شد پس از صرف نهار کتب مقدسه تورات و انجیل و قرآن را پیش کشیده و یک از روی بشارات و آیات کتب مقدسه حقانیت ظهور حضرت رب اعلی و حضرت بهاء الله را اثبات و استاد اسمعیل را به بشارات الهیه مستبشر ساخت . جناب عبودیت در بعد از ظهر همان روز بشرف ایمان فائز و پراز حفظ کردن نماز و مناجات خانه میرزا غلامرضا را ترک گفت . وقتی استاد حسن از قم مراجعت نمود دید کار از کار گذشته و جناب عبودیت روانه قم شد . جناب عبودیت بلا فاصله پراز و روم بقم بتبلیغ امر قیام نمود و سفری نیز بطهران نمود وقتی مادرش که زنی بسیار مقدس و متعصب بود به بهائی شدن وی بی برد شکایت به اداره حکومت نیز ایشان را احضار ولی پس از بازپرسی لازم شبانه ویرا فرار دادند و جناب عبودیت بطهران وارد و بخدمات مهمه خود در سپیل امر الهی ادامه داد .

قِسْمَتِ بُوجْوَانَانِ

(۲)

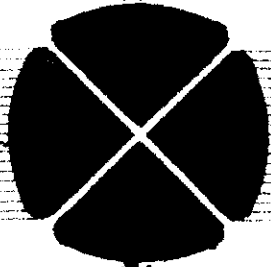
مطالب این قسمت :

از توفیقات مبارک حضرت ولی امر الله -

وفا آنف جوانان - عید عظیم رضوان (شعر)

بر خور حضرت عبدالبهاء با اطفال - داستنیها

جدول - سابقه شماره ۲



قسمی از یکی از توقیعات مبارکه حضرت ولی امر

میان برگزین ایران باید نظریه پست محیطی خود و دنیای خود را در نظر قرار ندهند
و در ضمن با تکیه بر حقوق بشر که باید نظریه جرح مرتفع نمایند و نقطه نظر گاه سوادیم و نفع
قیمت اظفار و دهنه از وقت معلوم شود و هنوز در مکر در داد و ستد ملاحظه عیدیه
در مسافت کرده بر منزل مقصود تعلق چندین و ششم آریه است متوجه شدیم
پس ما در مکان سیر کنیم باید تمام قور کنیم تا در محاسن و کلمات دمی
مشغول و متعادلان با تمام طبقات نوسر در امور جزئی و کلی در هر وقت که در آن
در تعالیم حضرت بهمانه و بغیر ازها را اعلان و اثبات کنیم و چیز خلق کنیم در هر مرتبه
در خرقه جانانه روح حضرت بهمانه هیچ امر در دگر تعقیب بهمانه نماید و خلق جدید
اینست گویا سبب نبوت و ظفر امر است

در نظم جهان آرای الهی که پایه و اساس آن بید قدرت
 پروردگار در این کور مقدس بنا نهاده شده موضوع پرورش
 نونهالان و نوجوانان و جوانان در درجه اول اهمیت است حضرت
 بهاء الله تکالیف و وظائف بسیار سنگین برای نوجوانان و جوانان که
 نسل آینده را تشکیل میدهند تعیین و مقرر فرموده اند . تمسک به مبدأ و
 توجه به حق و اعتراز اخلاق رزیده از جمله مسائلی است که در طی السواح
 و آثار مهارکه الهیه بدان اشاره شده است .

نوجوانانی که با بصرصه زندگانی می نهند و وارد اجتماع میشوند یقیناً وظائف و تکالیفی
 دارند که هرگاه در انجام آن کوتاهی نمایند در تمام دوران حیات دچار یأس و حرمان
 خواهند شد . زیلا به بعضی از وظائف جوانان که با مطالعه آثار الهیه میتوان با آنها پی
 برد اشاره میشود .

نخستین وظیفه نوجوان بهائی در این دور نورانی تمسک به غذا و توجه به مبادی روحانی
 و اصول و احکام الهی است . تقویت قوه ایمان و تلاوت آثار و الواح یقیناً در تصفیه و تزکیه نفس
 اثر بسیار عمیقی خواهد داشت . انجام فرائض روحانی از قبیل نماز و روزه و سایر احکام و تعالیبی
 که هر فرد مؤمن مأمور بانجام آنست از جمله مسائلی است که همواره باید اساس زندگانی
 روحانی نوجوان بهائی را تشکیل دهد . زیرا بدون توجه و تمسک بمبادی روحانی موفقیت در
 این جهان پر آشوب ممتنع و محال است .

وظیفه دوم نوجوانان آنکه همواره باید نسبت به والدین خود احترامی را که شایسته يك
 فرد بهائی است رعایت نمایند و یقین است این حقوق متبادله است . یعنی همانطوری
 که جوان بهائی برای والدین خود احترامات لازمه را قائل میشود پدر و مادر نیز
 شایسته است به افکار و تمایلات او توجه فرمایند و با او اجازه دهند که
 نظرات و عقاید خود را با آنها در میان گذارد و هرگاه پسندیده و مطلوب
 بود آنرا بپذیرند و از خرده گیری و انتقاد مضر بپرهیزند تردیدی
 نیست هرگاه چنین ارتباط مدبرانه و مفیدی بین فرزندان
 و پدر و مادر برقرار شود و هدایت صحیح انجام

گیرد بسیاری از مفاسد اجتماع مرتفع گردد . دیگر اینکه
 نوجوانان بهائی باید همواره جانب اعتدال پیش گیرند و از
 افراط و تفریط بپرهیزند . اوقات را صرف کسب معارف روحانی
 و مادی فرمایند و اطمینان داشته باشند که بزرگترین مایه افتخار آنان
 در این دنیای پر آشوب کسب فضائل و کمالات روحانی است . بعلاوه نوجوانان
 بهائی باید همواره از تقلید که بفرموده مولای حنون حضرت ولی امر الله
 ارواحنا لعنایاته الفداء " رائحه " منتنه اش را هر عاقل هوشمندی فوراً ادراک نماید
 احتراز جویند زیرا تقلید و تمسک مایه انجماد قوای عقلانی است و انسان را در انظار
 خوار و ذلیل میکند چه بسا عوائد و اخلاق ذمیمه که اگر قرار باشد انسان بآنها تأسسی
 نماید آبرو و حیثیت خود و خانواده اش را از بین خواهد برد . جوانانیکه به شرب مسکرات
 و پیا کشیدن سیگار و یا بر عادات پست خو گرفته اند کسانی هستند که در اثر معاشقرت
 و موآنست با افراد ناشایسته بدون تعمق رفتار آنان را تقلید کرده اند خداوند بانسان عقل
 عطا فرموده یعنی میزانی که میتواند بوسیله آن نیک را از بد تمیز دهد بدحال آن
 نفسی که این میزان را مختل می گذارند و با هوی و هوس خویش همه چیز را می سنجند و می
 پسندیرند . خدمت جوانان در تشکیلات بهائی و اطاعت و انقیاد از دستورات مراجع عالیله
 این امر الهی یکی دیگر از وظائف مهمه آنان است زیرا نظام و قوام عالم منوط و موقوف
 به نظم و انضباط است . هرگاه شیرازه این کتاب مختل شود اوراق آن پراکنده و متفرق
 گردد و نتیجه حاصل نشود پس خدمت در تشکیلات بهائی و اطاعت از دستورات و اوامر
 از جمله وظائف یک جوان متمسک بهائی است بدیهی است نسبت بهر یک از مواضع
 اشاره شده در فوق و مسائل دیگری که این اوراق گنجایش آنها ندارد و بایست
 مقالات متعددی تحریر یابد و هر یک از مطالب بنحو شایسته موشکافی گردد
 امید است در این موقع که صفحات مخصوصی در آهنگ بدیع برای هدایت
 و راهنمایی نوجوانان و جوانان عزیز افتتاح میشود صاحبان نظر
 و قلم در این زمینه ها مطالب سودمندی بنگارند و جوانان
 عزیز را که چشم و چراغ جامعه اند و در آتیه نزدیک

عید عظمیٰ رضوان

بزم وصال طلعت جنان مبارک است
 بر شرق و غرب عالم امکان مبارک است
 این نعمت جدید بیاران مبارک است
 بر ساکنان بزم گلستان مبارک است
 عدل و عیان و رحمت پنهان مبارک است
 بر ما سحاب رحمت یزدان مبارک است
 فیض عیان و فضل نمایان مبارک است
 از بیت عدل اعظم یزدان مبارک است
 جندی که شد فدائی سلطان مبارک است
 برگنج خواه رنج فراوان مبارک است
 بالای دار و گوشه زندان مبارک است
 وصف جمال مظهر رحمان مبارک است
 بر اهل و صاحب ^{عشق} ایمان مبارک است

عید سعید اعظم رضوان مبارک است
 عید جهانی است و از آن جهانیان
 تا بیت عدل اعظم حق گشت برقرار
 فصل بهار و فصل نگار جمال یار
 آید سرش غیب و صلا میزند بعدل
 آمد سحاب رحمت و بارید بی دریغ
 هر سو نظر کنی اثر یار آشکار
 نه ساله نقشه ای که جهان را هد نظام
 از جان گذشته ایم و فدائی حضورش
 " نابرده رنج گنج میسر نمی شود "
 اندر هوای عشق جمال مبارکش
 یاران بمدح طلعت او نغمه گر شوید
 مردم مرور راحه قدس معنوی

بار دگر بر اهل بها " بلبلای " بگویی

عید سعید اعظم رضوان مبارک است

برخورده حضرت عبدالبهاء با اطفال

تعلیم و تکریم اطفال

همین نفسی جزکسانی که عشق و علاقه شدید حضرت عبدالبهاء را نسبت باطفال دیده باشد نمیتواند محیط خالص و پاک و مملو از شادی و سرور ملاقات آن حضرت را با کودکان — ادراک نمایند هر موقع و هر جا که اطفال حضور داشتند همگی مبارک بسوی آنها میرفتند و آنها هم بطرف ایشان میشتافتند حتی اطفال شیرخوار سیمای آسمانی و صدای ملکوتی آن حضرت را بخوبی میشناختند . حضرت عبدالبهاء اطفال را با عشق و علاقه مفرطی در بخل گرفته میفرمودند " عزیز من بچه من جان شیرین من " از هزاران صفات ممدوحه ملکوتی آنحضرت خیرخواهی و بذل و بخشش فراوان ایشان بوده است همیشه حاضر بوده اند مردم را ملاقات نمایند و آنها را سرور سازند بچه فقیر و بچه غنی و بچه بزرگ و بچه کوچک در هر موقع بحضور آن حضرت پذیرفته میشدند . از آن معدن علم و حکمت و از آن بحر موج استفاده روحانی میکردند . حضرت عبدالبهاء همیشه وسائل مادی نیز از قبیل پول و شیرینی و گل و لبا و غیره همراه داشتند که بمقتضای وقت باشخاص و در بین محتاجین تقسیم میکردند . اطفال نازنین را در آغوش کشیده و گل بهریک عطا مینمودند و آنها را شمع جمع خطاب نموده میفرمودند :

حضرت مسیح فرمود شما اطفال ملکوتید . حضرت بهاء الله فرمود شما شمع عالم انسانی هستید زیرا قلوبتان در نهایت پاکی و روانتان در کمال لطافت و صفا است هنوز آلوده باین جهان نشده اید دلهایتان بمتابۀ آینه پاک و شفاف است . پدرها و مادرها باید شما را با نهایت مهربانی تربیت کنند و عالی ترین اخلاق و افکار را در دل و نهاد شما جای دهند تا آنکه باوج کمال انسانی که تقوی و طهارت حقیقی است فائز گردید و در جمیع جهات ترقی نمائید . علوم و صنایع تحصیل نمائید تا مظاهر رحمت کبری و ترقی و هدایت عظمی گردید .

دان ست نی

القاب جناب ملا حسین بشرویه

اول من آمن - سید علی - باب الباب از مهمترین القاب جناب ملا حسین بشرویه میباشند ایشان در بشرویه متولد شدند و در سال ۱۲۶۵ هـ ق در واقعه قلعه شیخ طبرسی بسن ۳۶ سالگی بشهادت رسیدند .

عصر رسولی

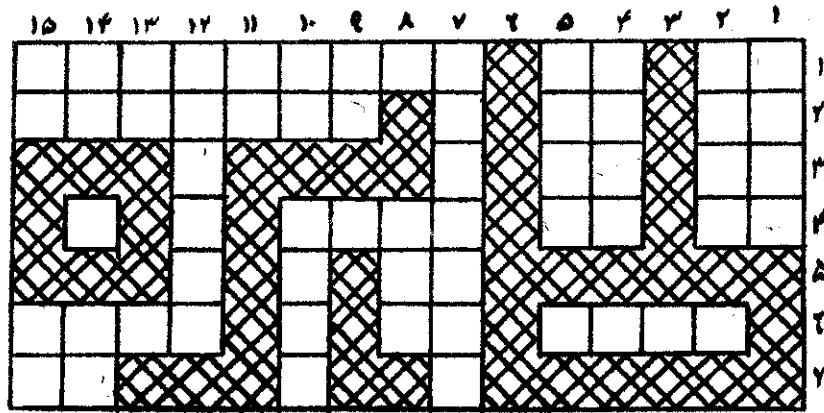
مدت عصر رسولی ۷۷ سال بحساب شمسی میباشد . ابتدای آن پنجم جمادی الاولی سنه ۱۲۶۰ هـ ق مطابق ۱۸۴۴ میلادی (شب اظهار امر حضرت اعلی و تولد حضرت عبدالبهائم) و انتهای آن سال ۱۳۴۰ هـ ق مطابق ۱۹۲۱ میلادی (سال صعود حضرت عبدالبهائم) میباشد . این عصر به سه عهد اعلی - ابهی و میثاق تقسیم میگردد . عهد اعلی ۹ سال عهد ابهی ۳۹ سال و بالاخره عهد میثاق ۲۹ سال ادامه داشته است .

القاب و اسما حضرت طاهره

زکیه - ام سلمه - طاهره - قره العین - فاطمه از اسما حضرت طاهره میباشد . ایشان در بدشت ملقب بلقب طاهره شدند و لقب " قره العین " را سید کاظم رشتی بایشان داده است حضرت طاهره در ۳۶ سالگی بسال ۱۲۶۸ در طهران بشهادت رسیدند .

کلمات مکنونه

" کلمات مکنونه " نام یکی از مهمترین آثار حضرت بهائم الله است که در ایام بغداد در سنه ۱۲۷۴ هجری هنگامیکه هیکل مبارک در کنار رجله مشی میفرمودند نازل گردیده است این اثر که بفارسی و عربی نازل شده بدوا " صحیفه مخزونه فاطمیه " نام داشته و بعدها بکلمات مکنونه معروف شده است .



جدول شماره ۲
نوجوانان

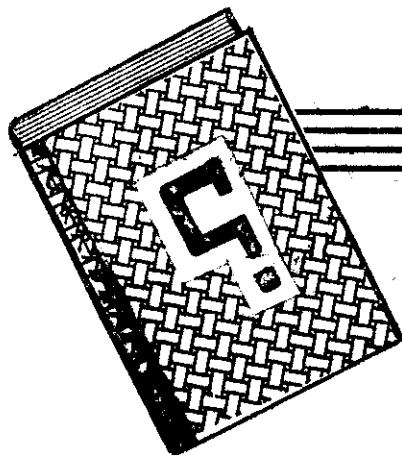
شرح جدول "طاهره"

افقی :

- ۱- اسم بی ابتدا - حرفش تلخ است - تفسیر سوره یوسف ۲- آب معکوس - دست
- از آثار عرفانی جمال مبارک که در جواب سئوالات شیخ محیی الدین قاضی خانقین نازل شده ۳- واحد- از فوج کمتر است ۴- تازه - هم خودش پایه است هم د و برابرش- نام اولین عهد رسولی ۵- برادر پدر ۶- حامل لوح سلطان - سایه
- یکی از مورخین مشهور بهائی ۷- از ضمایر .

عمودی :

- ۱- یکی از آثار جمال اقدس ابی شامل الواح مهمه از جظه لوح هیگل ۲- جبل باسط
- ۳- ۴- مرکز جهانی بهائی ۵- نقطه آخری - ۶- ۷- ممکن است شما هم انگشترش را
- در دست داشته باشید ۸- موثرترین طرق تبلیغ ۹- عددی است ۱۰- هنوز
- نفسی نشده - خدای اسرائیل بنص تورات ۱۱- دوسوم اتم ۱۲- یکی از توابع مهمه
- حضرت ولی امرالله . ۱۳- هنوز بصورت قانون در نیامده ۱۴- چونکه آن آمد نبود هم
- پیش ماست - دریا ۱۵- نصف سرکش - از حروف نفسی عربی .



مسابقه
شماره ۲

قسمتی از يك كتاب

~~~~~

در ذیل قسمتی از يك كتاب امری نقل میشود :  
برای ما بنویسید که این اثر از کیست و نام آن کتاب چیست -

قضا برد و قسم است یکی محتوم است و دیگری مشروط که معلق گفته میشود فضای محتوم آنست که تغییر و تبدیلی ندارد و مشروط آنست که ممکن الوقوع است مثلا قضاى محتوم در این چراغ آنست که روغن بسوزد و تمام گردد پس خاموشی آن حتم است تغییر و تبدیل ممکن نیست چه که فضای محتوم است همین قسم در هیكل انسانی قوه خلق شده که چون آن قوه زائل گردد و منتهی شود البته متلاشی گردد مثل این روغن در این چراغ چون بسوزد و منتهی شود چراغ یقینا خاموش شود و اما قضاى مشروط اینست که هنوز روغن باقیست و لسی باد شدید وزد و چراغ را خاموش کند این قضا مشروط است احتراز و محافظه و ملاحظه و احتیاط از این مشرو و مفید است اما قضاى محتوم که اتمام روغن چراغ است تغییر و تبدیل و تأخیر نیابد لابد از وقوع است و چراغ البته خاموش گردد .

~~~~~

به دو نفر از کسانی که تا ۱۵ شهریور ماه ۴۴ بجواب صحیح این مسابقه را بما بنویسند دو جلد کتاب نفیس امری اهدا خواهد شد . جوابهای خود را با ذکر اسم و آدرس فرستنده به نشانی ذیل ارسال فرمایند :

تهران خیابان منوچهری شرکت نونهالان آقای شامقلی

آهنگ بدیع

(دانستیها - بقیه از صفحه ۸۷)

کتاب مستطاب اقدس

کتاب مستطاب اقدس یا ام الكتاب اهل بهاء که بالقاب فخریه دیگری چون " فرات الرحمه " صحیفه علیا " - " مرجع اعلی " - مشکوة الفلاح " - قسطاس الهدی " - صراط الاقوم " و " حیوة العالم " نامیده شده در سنه ۱۲۸۸ هـ ق در قسمت شرقی بیت عبود عکا از قلم جمالقدم نازل گردیده است .

جناب قدوس

جناب ملا محمد بار فروشی ملقب به قدوس در سن ۲۷ سالگی بسال ۱۲۶۵ هـ ق در بابل (بار فروش) بشهادت رسیدند . نقطه اخری - طلعت قدوس از القاب ایشان است .

نوجوانان (بقیه از صفحه ۸۴)

علمدار و مشعل دار این آئین نازنین خواهند بود به وظائف خطیره شان آگاه سازند و جوانان پاکدل و علاقمند نیز در خواندن این مقالات قصور نورزند و نکات قابل توجه و مفید را آویزه گوش قرار دهند تردیدی نیست اندرزها و پندهائی که در دوران جوانی فرا گیرند و بکار بندند در دوران پیری آنها را بکار آید و در دنیا و عقبی رستگارشان سازد .

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
س	س	ق	ل	ا	ن	س	ح	ا	ح	ق	م	م	۱	
دی	دی	ا	و	ت	ف	س	س	س	د	ی	پ	۲		
								م	و	ف	ی	۳		
			ح					ا	س	ا	ن	۴		
			ق		ل	ی	ع	ل				۵		
			ر		و	م	ع	ظ				۶		
					و	ظ	ل	ع		پ	د	۷		
										ی	ی	۸		
										م	م	۹		

حل جدول شماره ۲
نوجوانان